

تخلف ما را می یک، زیر مختار انگلیس نمیکرد؛ یک
ملت ایران را پروس و انگلیس و افغان داد. و نامی
بد و بیست در تاریخ ایران، هاد و از هیچ ملک از
فداند حقیقی که احتیاج تام در مملکتداری و دهری
همسری با سلاطین اولی‌المرز باشد هره نبرد، و نتیجه
امالت هم آن بود که روزگار در کنارش نهاد؛
و مملکت، سلاطین هم که بافت با عقاب خود گذاشت
همه ویران و پریشان، اسی بدون رسم در شرف
انهدام و اسدام؛

استدعای حل معنی از اعلیضرت

اعلیضرتنا - بر ایران که وطن خود و خوابگاه
اجداد خودت است رحم نما؛ بر سلطنت ایران
و دینه است از طرف خدا و سلاطین کردن کش
کیان رحمت فرما، برده غفالت از پیش چشم بیکه، بین
ارواح سلاطین ماستان ما چشم خونین و اب پر از
فرین محابت می نگردد؛ اعلیضرتنا - هر یک از عمسایگان
شمال و جنوب و خود پرستان داخلی در ردن ملک
و خوردن مالالت تو، و لخت کرد و طابای تو، شب
و روز نقشه ها می کشند و در لباس دوستی و دعوت
خواهی و بادشاه برستی مشغول تاراج تاج و تخت تو، و
سیاه کردن روزگار، و تخت تو اند؛ اعلیضرتنا - ترا
چه افتاده که با آنها در قارت ملک و انهدام استقلال
ایران سبق را می کنی و نیشه بر ریشه دودمان خود
می زنی؛ عقل زبرما، قبول این درجه سادگی و غفالت
و بی حسی در هیچ بی حسی نمیداند برود؛ پس
این چه سربست که در حال آن طلی امحیرت اداخته؛
خدارا زین معنی رده ردا؛ اعلیضرتنا - همه چیز را
عبته ان صریح و ساده گفت، ولی (بغداد الضرورات
تبیح المذودات) چون کا، ایران از ملاحظه و کتمان
گذشته و با اعلیضرت د، مقام احتجاج و برهانم
ناچارم از اینکه بول طهراینها همه چیز را روی
داره، بریزم؛

علاج قبل از وائمه انگلیس، روس

بر هر کسی که ملک صغیری در اوضاع عالم دارد
و بحرکات پلیدی آنان مانده و بر پیش بینی حایه
آنان در سد خطرات بلندی و مملکت گیری آنها
تجربتی دارد، مثل آفتاب روشن است که از ابتدای

ان مائه بیستم بخصوص بعد از جنگ روس و ژاپون
که حس ملیت در مشرق شوری و غفله و آشوری
اداخه، و آتشی در کانون سینه بی نوع بشر افروخته
روس و انگلیس را مشاهده این حس در قفقاز و هند
خار بستر راحت شده بود، همسکه از ورزش این نسیم
حیسات بخش استخوانهای مرده ایران را در حلبش
دیدد از این خارق طادت بحیرت و از تصور زندگی
یکه تا ز مرسته شرق بوحشت و دهشت شد، و بر
مستملکات بزرگ خود به ترسیدند، و این همدردی در
جایین بجدی بزرگ بود که اختلاقات و معاندات یک
مانه را از میان برد، و دو معاد دیرین را با هم بر
سر وفاق آورد، این بود که در اول انعقاد مجلس ملی
دست اتحاد هم دادند که بگذارند این مرده از جای
خود بجلید؛

در اوایل بدو علت اظهار همراهی با مجلس
میکردند، یکی آنکه ظلم عالم و ملت انگلیس را
در سوء قصد خودشان در ستن قرار داد بدل یفین
نمایند، دیگر اینکه کان میگردند که مجلس هم مثل سایر
اهدامات ایرانیها اساسش بر نواله سی بوده خود بخود
ار هم باشیده و ناود خواهد شد؛ ملی روس که یک
کار خانه قند سازی را در تمام ایران روا نمیند و هزار
وعد، و عهد امین الساطار را بخرابی آن وا دارد و
انگلیس که در بندر عباس یا غیره که ملک و طلق
دولت ایران است طابع از ساختن ملک تلگرافخانه بشود
چگونه تصور میتوان کرد که بگذارند چنان بنای
سعادت و عظمت مانند مجلس ملی در ایران برپا شد
و تاروپود نقشه آنها را از هم بگسلد، این بود همیشه
دیدد وسیله مانند بادشاه مملکت در حران آن بنای
سعادت بدست قناد فرصت را مقتنم و خیالات
اعلیضرت متفق شدند، و بقیه السیف استقلال ایران
را قارت دادند؛ (دلیلی بر صدیت آنها؛ مجلس
واضح تر از این میتداند بود که در اندک معاوتی در
قبول از دیادگرمقند و جایی نا چه پایه سخن کردند)
نه رایه اینکه اعلیضرت را از خود خوشنود و
سلطان فعال طایشاه نمایند، بل میداستند همیشه مجلس
رفت و دشمنی دائمی بین دولت و ملت مزید بر مفاسد
و هرچ و هرچ شد و رشته بوسیده نظام مملکت کلم

از هم گسیخت و افشاش و نافی و فر و جهل و
 قرقه و ضعف سبب هر قسم قدرت ز دولت و
 ملت ارد ، کم کم حسن شرف و استقلال ملی از میان
 مردم میروید و بتدریج تن بسیار تنگ و گردن بطوق
 بندگی خارجه می بندد ، و دولتین بی هیچ مسازه و
 زحمتی صاحب ایران میشوند و در سر فرصت قسمت
 بی طرف را هم بین خود تقسیم و معنور درین
 خود که (کنجایش بآری) باشد بایل و خاطر خود
 از دغدغه این قطعه از عالم فارغ میزند !!

مخالفت تقدیر با تدبیر روس در چین و عثمانی
 همین پلایک محراب را روس در عثمانی و چین سلطه
 بود پیشهاد خود کرده بود و هر روز سلطان عثمانی
 و دولت چین را بتبعی در ظلم و فساد کاری رعایت
 اصلاحات تشویق و معاضدت میکرد تا قوای هر دو
 مملکت را توسط صاحبان غافل خود مملکت مردم بپند
 و هر دو دولت را در مقابل رنج خود دلیل بود
 سازد ، مملکت عثمانی را تصرف خود آورده و ملک
 وسیع منچوریایا و نقاط دیگر از چین را که در مد نظر
 داشت بی خسارت و خطر جنگ فرو برد ؛ ولی چون
 تقدیر با تدبیرت روس موافق نبود در چین دست
 غیبی ژاپن بیرون آمده - خنای پشت دستی بر سینه
 نامحرمش بواخت که در پترزبرگ پشت زمین هفتی
 بست ، و تمام آرزوها و تدابیرش در قفسه خاطرش مانند
 توتیا خورد گشت ؛ همینکه از ضرب نصبت ژاپون
 بهوش آمده و آثار امیددی در مشرق بعید رایج
 خود باقی نماند ، تمام هم و توجه خود را با آسیای وسطی
 منصرف داشت و محض انجام مقصود دست موافقت
 خواه مخواه با انگلیس داد ، مقدمتاً قرار داد ایران را
 بست که بیشتر مایه تشویب دولت انگلیس بود و در
 باطن مشغول کشیدن نقشه تصرف ممالک عثمانی شد و
 وزیرای لیبرال انگلیس که به ترس و بزدلی معروفند
 و هر وقت بسر کار آمده اند صدمات کلی پلایکی
 دولت انگلیس زده اند از ترس هند و احراف توجه
 و فتنه و فساد روس از هند در چنین موقع مستعدی
 و واهمه از آلمان تن بهمه این فداکاری چها دادند ؛
 ملاقات (روال) بمیان آمده شروع از بالکان شد ،
 نمید صرف آن قاط را چیدند که دود از نهاد

اطرایش که خود سالها بود چشم ضمع در آر سبط
 داشت برآمده فریاد رور نامهای طرایش بملک ریده
 و وزیر خارجه اطرایش مصمم الحاق (بوسینیا) و
 (هرزیقویا) را داد ، آورده تنگ در اروپا پیچید ؛
 در این هنگامه صاحب شاه پیدر ، ملت و لشکر عثمانی
 متحد ، جان در کف در صد حفظ خانه خود برآمدند
 و همه اروپا را از این خارق عادت اسگشت حیرت
 بدندان ماند ؛ انگلیس را که در این تراج فادب
 عمدت همان رضایت روس بود چون مخالفت عثمانی ر
 در چنین موقع مایه آشوب تمام مسلمانان هند و آقای
 آنها با حدود بر ضد انگلیس و احتمال افشاش در
 مصر و موجب نفرت تمام ملت انگلیس و ملل آزاد
 خواه عالم و بدنامی اندی خود دید ، و در این تغییر
 عثمانی و همراهی اعمایها طراش منافع و نفوذ آلمان
 ر معایر و منافع کلی تجارت خود را مشاهده کرد ،
 روس را ر همراهی خود نا امید و ترک امری
 شده می آید بوجه داد ، و گهت آرام باش تا
 بیم برد ؛ روسی شد روزگار ؛ حال ایران ضعیف
 برای - چو نانی هند ما - ، و بی عرس گرسنه زخم
 خورده از هر حاصر خورده ، بی پیره بران ؛ یکس
 ایران ؛ بیداد رس ابر ؛

دو رماه دشمنش گز دش چشم یار هم
 یار گز بقتل و بسته و رودگار هم
 ▶ منظره راب لاسه خور های داخله ◀

اعلیحضرتنا - این است منظور دشمنان خارجی
 درباره بران ؛ ما دشمنان داخلی ؛ اعلیحضرتنا - خود
 بهتر میدی که ایشان را جز خود برقی و حصول
 مأمولات بست خود هیچ قصد و منظور دولت و
 سلطان برستی بست ؛ مثل حیوان لاشه خور همش
 همشان یافتن لاشه ایست ؛ آنکه (امیر بهادر) است
 چون دست و پای میدش از همه جا مقطوع شده و
 بقین دارد غیر از اینکه سهسالار باشد و همیشه سیصد
 چهار صد هر مساح شب و روز حافظ جان او باشند
 در هر نقطه از قاط عالم رود از جنگ مرگ خلاصی
 نخواهد داشت ، این است که چهار دستی از دامان
 اعلیحضرت چسبیده با خود کتار کتار هر طرف
 می برد ؛ آنکه شیخ فضل الله میفرماید یکسای حنا بر از

زر کند و مشربانه ایثار شد. صدی باین بشود.
در صدر محافل بنشیند آنکه حدیث تبریزی است
میخواهد در آذربایجان حکمران مطلق باشد. خود را
کتاب الله مطلق اثناساند. حق باحق و باحق را حق.
املاک و دعات مردم را ضبط باید. در عبور از توجه
و بارز دستهای خود را از همه و یسار برای تقبیل نمزد
کند. و اتصالاً سلام... علیکم... علیک السلام بگوید.
عبای سفید بپوشد. نرخ گندم را شب عید فطر بصرفه
ایارهای گندم خود روی مجر به شد.

آنکه (لیاکوف) است در جهد و تلاش است که
مکتوبات خاطر دولت خود را در اران بصل بیاورد
و ایران را بحالی بپردازد که در دولت و ملت احتمال
قوة هیچ مقاومت نماند و در تصرف ظاهری ایران
در بین ملل روس ناحق قلم رود. چنانکه همین نکات
را (لیاکوف) بجز نگاران روس صریح گفته و در
روزنامه‌های روس کراراً مطبوع ریده. این است منظورات
دشمن خارجی و داخلی ایران. خوب اعلیحضرتنا - تو را
چه منظوری است که با این دول و اشخاص کمر اتق
بسته برای حصول ممولات آنها شب و روز و بر
خود حرام کرده؟ اعلیحضرتنا - از این راز پرده بردار
تا همه در راه تو قلم و شمیر زخم!

فرق دولت مشروطه و مستبدانه

اعلیحضرتنا - در دولت مستبدانه چه وضع و حلالی
داری که در مشروطه نداری. کدام امتیازات سلطنتی
را در مشروطه از تو میگیرند؟ که برای حفظ آفت
خود و ملک و دولت خود را بباد فنا میدمی! فرق
که برای اعلیحضرت در مشروطه و مستبدانه هست این
است. که مشروطه حکم ر وجود مجلس پارلمانی میکند
که اعضای آن ناظر اقدامات وزیران تو باشند و نگذارند
آنها خیانت بدولت تو و ملک و رعایای تو نمایند و
نگذارند حکومتها را بجهنم دریده و حتی بپروشنند و
بجان رعایا و ملک تو بپردازند. و نیز بدست هائی که
مورد ویرانی ملک و زحمت ملت است از میان
بردارند. و قوانینیکه مایه سعادت و ترقی ملک است
بصدار قبول و محبت تو بگذارند. و تمام مردم را ظلم
و متعبد و مانند ضحی واحد در حفظ و دفاع تاج و
تخت تو نمایند. که در راه عظمت سلطنت و ملک تو
بذل مال و جان را محتر مطالبی بشمارند! و نیز

اعلیحضرت را با امپراطورها همسر و عظمت و زوت
ملکت ترا با ملک اروپا برابر کنند! اعلیحضرتنا در
این مقاصد چه عیبی است که باین درجه مایه نفرت و
دشمنت تو شده. اعلیحضرتنا - اگر کسی مشروطه را
غیر از این بحضرت معرفی کرده (بپ کبه و مناقم
است) خیانت کرده! اعلیحضرتنا - اگر افرادی باشخاص
داری مشروطه را در این میان تقصیر چیست؟ اشخاص
که سهل است تمهید عدم انتخاب و ر انداختن بکدهسته
از اعضای پارلمان را آسانی میتوان کرد! امپراطور
آلمان با پرنس بولو) سالی هست که از قدرت انداختن
یک پارتی مخصوص از پارلمان را که با منظوراتش
مخالفتی دارند فراهم نیاورند؟ اعلیحضرتنا - چنانکه
استبداد حیلها دارد. شرح حیل دارد. تجارت و صرافت
حیل دارد. مشروطه هم هزاران حیل دارد! اعلیحضرتنا - بدویضانی که در حیل استبداد میکند ده
یک آن قوه را در مشروطه خرج بدی هرسانی عوض
یکبار دو بار یک پارتی که سهل است تمام پارتیهایی
پارلمان را میتوانی تغییر و تبدیل فرمائی! این کار چیزی
نیست که در آب و گل آن اعلیحضرت یافت نشود. ده
دو ماه صرف وقت بحیل و تمهیدات دول اروپا در
سرکار آوردن پارتیان و از کار انداختن پارتیان پارلمانی
فرما. با قوه خلاقیتی که داری در اندک زمانی هزاران
مثل امپراطور آلمان و پرنس بولو خورشه چین خرمن
(حیل مشروطه) آن اعلیحضرت خواهند بود! برای
کار باین سببی بمنکت بباد دادن و تاج و تخت
بتاراج دادن و تیشه بر ریشه سلسله خود زدن چه
لزومی دارد! اعلیحضرتنا - رسیدگی ضحی واحد همه
اموات دولتی و مملکتی و سد راه خیانت وزرا
بطوریکه عرض شد از قوه بشری خارج است! اعلیحضرتنا -
در این دوره روشنائی جز پارلمان داری
طریقی برای ملک داری باقی نمانده! اگر هست یکی
را فرما! اعلیحضرتنا - اگر بگوئی در مشروطه قدرت
تصرفم در خزانه محدود میشود. اعلیحضرتنا - این تصرف
از دو شق خارج نیست. یا برای شخص خود است. یا
یا برای ریختن بکام آژ مشق مسخره و گوش بر و
پرکردن کیسه وزرا و حکام! اگر شق اول است. خدا
را انصاف میخواهم کدام پادشاه قهار مستبدی بوده

مجازات مشروطه

اعلیحضرتنا - فرضاً مکروهی چند نیز در سلطنت مشروطه برای پروریده آفتوش استبداد تصور شود آیا از روی عقل و حزم است که در مقابل امواج کوهکن مشروطه ~~که~~ امروز مدد از فرو گرفتن تمام اروپا روی به مشرق در حرکت است مقابلهت و مقاومت کردنت؟ اعلیحضرتنا اگر تاریخ مشروطه انگلیس و فرانسه در نظرت انشاء بیاید از اوضاع روس و عثمانی عبرت بگیر ، روس با این همه استبداد و قدرت نظامی امروز در امواج مشروطه شنا میناید! اعلیحضرتنا از قدرت خارق عادتی که این موج مشروطه در عثمانی نشان داد و ۴۴ ساعت تمام قدرت سلطان را غرق و محاکمه عثمان را فرو گرفت اندکی ادبته فرما! اعلیحضرتنا ایرانیها این درجه حر و برحس و حیون نیستند ، که امیر بهادر ، شیخ مصطفی و حسن تبریزی کمان کرده و به اعلیحضرتت مصور دشته اند! ملتی که بجهزارسال استقلال خود را با نام باند برادر در چنین عصری زبون و خرابارکش مشتی حیوان بر شاخ و دم که شعور حرف ردفت را ندارند نخواهند شد که بهر دولتی که بخواهند آنها را هرواشند و ملتی که از نام آنها سلاطین بزرگ بخود می لوزبندند مال و جان و عصمت خود را بحرس و نصب و شهوت این حیوانها نخواهند سپرد!

کساییکه میگویند ایران هنوز استبداد دولت مشروطه را ندارد باید بفلفشان خندید! اگر در ایران صد نفری هم نرسد که در پارلمان بنشینند ، پس این وزرا و امرا که هر يك صداد ایران را کترین مقام خود میبهارند از کجا آمده اند و در کدام مدرسه تحصیل کرده اند؟ اگر ایرانیان خرید این کار گذارن و ارکان دولت بدون استتفا خرید! مراتب هر دو را در میزان مجلس ملی سنجیدیم و دیدیم که صدور بنام ایران در سؤال و جواب ما یکی از اعضای مجلس بگل میباید و رنگ و رو میبایخت و لوزه بر اندامش می افتاد ، بی مزیتی که درباریان بر سایر ایرانیان دارد این است که این طایفه در خیانت ، و جاس ، و گوی بری ، و بی شرفی ، امروزه در ظلم و ظیورند! پس در اینصورت باید حکومت مملکت را بدست خارجه

است ~~که~~ با اندک بهره از عقل حکمرانی پیش از يك قسمت از بازده قسمت مالیات مملکت را صرف خود کرده؟ همان جدت آقا محمد شاه نبود که خوردن پلورا با خورش بر ولیمهد خود حرام میشمرد ، و آنچه امساک و سختی بخود راه میداد؟ اگر برای شقی دوم است ، باز خدا را انصاف میبخواهم چه حظی و ضعی برای اعلیحضرتت در این است که دسته ارحمال بی مقرر مسخره خان سالی بیست هزار می هزار بیست هزار تومان مال دولت و باسم مواجب و انعام بخورند ، یا همه خلوت دست بهم داده هر روز بيك عنوان گولت سازند و تهدیدت نمایند و سالی کروورها از مال دولت را بگیرند بخورند! اعلیحضرتنا - ~~که~~ کروورها ~~که~~ همین همه خلوت و لاشه خوران از مرحوم مظفرالدین شاه گرفتند بانواع حبه ها چه قائده بحمال آن مرحوم بخشید! هفت هزار ده هزار تومانی ~~که~~ از بانک قرض لرد و بسید بحربی داد چه بلا وقضا را از آن مقصور دورساحت! یا بچاه هزار تومانی ~~که~~ شبشال شهید از خود اعلیحضرتت گرفت و حال در روسیه میخورد و از دربار ایران بد در روزنامهها میفوسد چه شرافت و نمر بآفت اعلیحضرتت بخشیده! و اینکه حکام باسم تشکیل اردوی موهومی هشتاد هزار صد هزار تومان از مالیات دولت بکسبه خود میریزد و سالی چندین کرور کسر در بودجه مملکت فرام میاورد مملکت مقروض و مرهوفت خوارچ کتند چه حظی مان اعلیحضرتت دارد! بلی اینها هر نبودن پارلمان و بی قانونی مملکت است! چاره این خرابکارها را جز نمایندگان ملت نمیتواند نباید چنانکه همین اوضاع قبل از وجود پارلمان ~~که~~ ادرمه محاکم اروپا بود! اعلیحضرتنا - چه حظ و برتری برای سلاطین مستبده بوده است که امروز برای سلاطین مشروطه بیست؟ غیر از اینکه سلاطین مستبده خودشان منفور و همیشه در معرض خطر و سلسله شان غیر مصون از زوال بوده و سلاطین مشروطه در مهد امن و اطمن نخوده و محبوب خاص و عام اند و سلسله شان محفوظ از هر قسم زوال! اعلیحضرتنا - محال است کسی که اندک شعور و انصاف داشته باشد بر محاسن سلطنت مشروطه مفر و معترف نشود ..

داد، و مثل هر بارکش کار کرد! اعلیحضرتنا - مشروطه علم، ماضی و محرز اقلیدس نیست که ساطعا باید بحمیل آن پرداخت! مشروطه پوست کنده یعنی امتناع ملت از تحمل بار ظلم و ستم افندی و تحمیلاتی که خارج از قوه خود بیاید، و خواستن حد و ترتیب برای بار گذری، این حس در تمام حیزین بارکش موجود است. پس در ایران چرا باید نباشد؟! در انگلستان، صد از آنکه صد و بیجاه سال پارلمان و سلطنت مشروطه برقرار بود، درجه معرفت همام انگلیس بیافه بود که طبقه شمع فروشان محض اسادی بارای که بر آنها روی داده بود جمع شده مد از مشورتها عرضه بدولت و پارلمان دادند که حکم شود مردم دورها بجزه ما را به بند تا روشی داخل اطاق نشود، و مجبور از صرف کردن شمع بقدر زیاد بشوند و کار شمع فروشان دوباره ره نقی یاد ۲۱۱

﴿ منظورات حقیق روس و انگلیس در ایران ﴾

اعلیحضرتنا - بر فرض محال باطاعت روس و از بین رفتن و وطن پرستی امیر بهادر و غیره تمام مشروطه خواهان را بسر نیجه قدرت مغلوب و منکوب ساختی؟ آیا تصور میکنی که روس و انگلیس اعلیحضرتنا را خواهند گذاشت که فعال مایشاه در ایران باشی؟ لاف، تصویری است باطل و خیالی است محال، تمام منظورات روس و دولت انگلیس در این است خود را صاحب مضوی ایران کنند، و تمام امورات ایران نامس و اشارت آنها صورت بگیرد! خیالات و تمهیدات روس و انگلیس در ماده ایران در نظر اشخاصی که تجربت و بصیرتی در پانیک اروپائیان دارند مثل صورت در آینه واضح و آشکار است! دولتین اگر بتوانند میبخواهند ایران را بصورت مصر ادارند، اصلاحاتی چند نویسند، و دست وزیر مختار روس که بجای فرمان فرما باشد مجری دارد و در تمام ادارات ایران تامودین روس و شاید هم انگلیس بگذارند، و ایران را بصورت مصر بیندارند، و اعلیحضرتنا را طاعت طلب و مصر مرسوم مختصری معین کنند و مطیع اوامر و وزرای مختار خود کنند، همانطور که بعد از برهم زدن پارلمان مصر در (۱۸۸۲) تمام امورات مصر را قونسلهای انگلیس و فرانسه بعهده گرفتند! و بکچندی

هم که بدین منوال گذشت ملت مادی به اطاعت خارجه شده و از مذهب محمدی جز اساسی باقی نماند، آنوقت بیك بهانه ایران را از روی تقسیم جزه محاکم خود نمایند، همانطور که انگلیس با فرانسه مصالحه کرد، مراکش را مدو داد، و مصر را خود تصاحب کرد! اما چون در اینوقت که ملت ایران در هیچون و سرکشی و طار از بندگی خارجه دارند و صاحب مدعاند، اجرای نقشه فوق موثر خسارات گای خان و عالی لشکر کشی میشود، و مولد خطر هاء بزرگ دیگر هم، لهذا ملک رقاب خود را در بران بشکل و رمی دیگر ثابت خواهند کرد! ترتیب تشکیل مجلس ملی خواهند ریخت (و جوف شیخ فضل الله، و حسن تبریزی، قانون اساسی ایران را که بتصویب علما و مجتهدین اسلام نوشته شده بود مخالف شرح میخوانند، لهذا قانون اساسی خود روسها خواهند نوشت) و حقوق بین دولت و ملت معین خواهند کرد، و اصلاحاتی برای وزارتخانهها صورت داده مستشار و تامورینی برایشه اجرای آنها معین خواهند کرد، آنوقت اعلیحضرتنا را با کمال احترام مجبور از قبول و اطاعت بدانها خواهند کرد... .

﴿ فرصت آخری یا نکبت ابدی اعلیحضرت ﴾

اعلیحضرتنا - بیا و اصاف بده، دیگر طاری بالاتر از این برای وارث تاج و تخت هم خواهد بود! این طار را هرگز امیر افغان قبول نمیکند! اعلیحضرتنا بعد از آنی که تمام اختیار از تو سلب شد، و مجلس ملی برقرار گردید، و مواجب حدی برایت خارجه معین کردند، و مانند روس و انگلیس ضامن عدم تجاوزات تو شدند، چه ملک رقاب، چه اعتبار و شرف برایت خواهد ماند؟ کجا خواهند بود! بوجار لجنانهای درباری، چه براعتناهایی که از خود آنها نخواهی دید، و چه سرزنشهایی که از بیگانه و خویش نخواهی شنید!

اعلیحضرتنا - بعد از آنی که از استماع صابج مشتی مردم بست فطرت دنی طبع خود پرست جاهل کار ملک و دوات ایران را بدیجا رسانیدی و استقلال دولت و ملت را بیاد دادی، تمام ملت ایران از برنا و پیر و زن و مرد بر از خرت تو و دشمن خونی تو خواهند شد، و از شنیدن اسمت و دیدن

رست مجوش و فغان خواهند آمد و اولین فریضه دینی و ملی خود را در قصاص از تو خواهند داشت! اعلیحضرتا. آیا در میان چین ملی بی هیچ قدرتی امید نعیش و زندگی خواهی داشت؟ بقیه عمر را باید در هماری بطرز عبوس با مشتی قزاق روس ترسان و لرزان بسربری و ملامت های تلخ تر از زهر را تحمل نمایی. و راه نجات و فراری هم بر خود نه بینی! اعلیحضرتا - بترس از روزیکه مانند امپراطور سابق (کوره) پدر امپراطور حلیه انک از دیده حسرت فروباری و انکشت بدامت بدندان گزنی! این خواهد بود ایام حیات تو. و بعد از تو نامت در تواریخ ملل تنگ سلاطین ظلم بل دودمان قاجار نیت خواهد شد! و هیچ ملی جز زشتی از تو نام نخواهد برد! اعلیحضرتا. اینها در صورتی است که ملت در بجهلند و در آفاق و اتحاد و کندی ریشه استبداد و دفع شر خارجیها پیش از این چین و رقیبتی کنند و صلحا و علما پیش از این صبر نمایند و الا باید منتظر معاینه وحشت های سال شورش فرانسه شد و جوی خون در کوجهای طهران روان دید!

اعلیحضرتا - اگر چه گمان نزدیک بین دارم تا رسیدن این مقالات بنظر هیات کار ایران یا بشورش عام یا خدا نکرده مداخله روس وانگلیس یکسره شده و رانی و اختیاری برایت باقی نمانده، ولی اگر تا آن وقت اوضاع همین حالها ماند همان یک روزه فرصت را غنیمت دانی و پیش بینی های این بی عرض را حتی الوقوع تر از غیب گوییهای پیغمبران بی اسرائیل شمار. تا راه نجات باقی است تا امید مشو، ملت را تنگ در آغوش بکش و از جان و دل بتلافی مافات بکوش. اگر باک از رفتن استقلال ایران نداری از وحشتها و مهلکه ها و تلخها و خلفتها که روزگار برایت مهیا داشته بترس!

بند سمدی بگوش جان بشنو
ره چنین است مرد باش و برو

مکتوب مخبر سیار

موبد الا-الاما - وقتی میتوان امید واری تجدید حیات یک ملت پیدا کرد که افرادش چه در داخل و چه در خارج جبهه تجدید حیات سیاسی خود جد و

جهد موفور بنمایند و محمده حال کم دیده میشود هموطنان ما هم در ایران و هم در بلاد بیگانه برای تحصیل آن مقصود آنچه در مقدوت خطایش دارد نگار میبرد و طود این نکت: دلالت بر این دارد که هنوز نمیتوان از نجات این ملت بکلی نومید گشت. برادران ایرانی ما در (جاوه) هم برای ابراز وطنخواهی و دیانت خود هر فیضه بحضور باهرالدور حضرت مستطاب کشف الامام سلاذ الخواص والعام نایب الامام حجة الامام آية الله في الارضين آقای آخوند ملا محمد کاظم خراسانی مدظله عرض کرده اند و هم فقره نالت میکنند که ایرانی ها عرجا باشند و هر قدر یدست و پا باشند باز برای وطن و دین خود دلسوزی دارند

نقل آن هر فیضه بذریعه رسیده و برای درج در روزنامه فرستادم

(عبد الباقی)

هر فیضه بحضور باهرالدور حضرت مستطاب

(حجة الاسلام نایب الامام ملا الامام والملة)

(آقای آخوند ملا محمد کاظم خراسانی مدظله العالی)

ما جماعت ایرانیان که از وطن عزیز در بدر و از فرط مظالم و معاسد داخلی در قط مخلمه آواره هستیم عرض ذمه خود میدیم که پس از دعوات خاصانه برای مرید عمر و شوکت آن حضرت ما هزاران افتخار از آن نوحیات دانی که پیوسته از جانب سنی لطوات آن عینی شریعت عمرا و مجدد قانون بیضا در حق ملت و محاکت ایران مبدول گردیده تشکرات فراوان و سپاس و حمد بیکران معروض داریم. و امید داریم این دعیه جاگزه که صادر از نهایت حسن عنایت و خلوص طیفه دیوان است در آئینه مقدسه شرف قبول تاقی گردد

در همچو موتقی که محاکت ایران دو چار بحران شدید و هیئت جامعه ایرانیان گرفتار شداید و مظالم بی پایان و دین مبین اسلام رو برو با خطرات مهلکه گردیده، بر ذمه دیانت خود واجب میدانیم که خاطر مبارک را مزاحم گشته و بیک عرض تشکر و اظهار تأسف اشعار و استعطا و جبارت و ورزیم

اول بلا اول میگویم هیئت جامعه ملت شیعه در این قرن چهاردهم از هجرت رهین احسان گف

مقتدای مؤمنان میباشد، چرا که مسامحه حسنه و مجاهدات
جبهه آن حضرت زمانی شامل حال و کافل احوال
ایرانیان گشت که مبحوحه استبداد و هنگامه ظلم دوکار
و در تمام آن صفحه ادا آور هدایتی که نتوان مشتمله
سعادت امت شود تابش و مایش داشت، و در همچو
موقع بر ظلمتی که مظلومین ایران از ترحم حامیان
دین و روساء ملت مابوس و نومید شده بودند نیات
خبریه آن آیت الله و همچنین آیتین اعلی مرحوم
میرور آیه الله حاجی میرزا حسین قدس سره و حضرت
مستطاب کهنف الله آیه الله آقا شیخ عبده
مازندران ادام که ظله بمنصه ظهور و بروز آمده و
جنم حسم و قلب برایان را روشن ساخت.

بر ضمیر اقدس معنی نیست که در این اواخر قاصبان
حقوق ملت برای پیشرفت کامرائ خود چنان در تخریب
این ملت و مملکت می کردند که دیگر مشکل است برای
این بد بختان ایرانی رهتی باقی گذارده باشند، نه تنها آنها
را مورد رذالتهای تاریخی ساخته و از کلیه و سایل و
مزایای زندگی بی بهره کرده اند بلکه بالمره آنها را از
استقااضه روحانی محروم خواسته اند، زیرا در این ظلمت
مذلت که آن اشقیاء فطری برای ایرانیان فراهم آورده اند
از کجا فرست پیروی مذهب یا مواظبت بوظایف
دینی یا شنوائی اوامر نواکان می ماند، طامین ظلم اربس
در پیشرفت کار خود مانع و طایقی ندیده بودند با نهایت
بی پروائی این مضمون مبشوم را بایرانیان حالی کرده
بودند که فقر و خاکساری و مذلت و بی اقتداری لازمه
تشیع، و شوکت و حلال و اهت و اقبال حزه لا تجزی
کفر و حق طاق کفار است، ولی آن عملیات مقدسه
و فداکارهای تاریخی که از وجود مقدست و آیتین
معظم الیها صادر گردید دیگر جای شک و روی
نگذاشت که آن عقیده مامونه اساساً غلط صرف و
اشتیامکاری محض است

آیت الله - فتاوی مقدسه و مقالات صریحه
حضرت در وقت لزوم و موقع باز آن آرائی را که
باید بکنند کرد، و بر همه شیعیان ظلم و حتی بر خود
ظلمسان حقوق امت ظاهر و باهر ساحت که اجراء
اوامر ظلم منافی روح اسلام و مخرب آسایش ظلم و
مستوجب قهر آلهی است، و در ضمن هم آن قنوت

خدا داده را که بحکم شرع و عذر کول و محول
سلما امت گردیده ر تمام طالبان آشکار و پنهانی
طامه مردم خاطر نشان ساختند که فقهای اسلام بر بی
اقتدار درند در مدت چند روزی بحركات قلم و لسان
اطاری این دستگاه ظلم را در نظر عموم مطمون و
مردود بسازند که دیگر هیچ بیدین از خدا بخبری
جرئت نداشته باشد نزدیک آن دستگاه ملضت پناه
رود، و از این است که ما حقیران بقتدار تجدید تشکرات
خود پرداخته وجود حضرت و ذوات محترم آقایان
حجتین را مجدد اعظم، بخوام و دوام هر و ازدیاد
توفیق آن آیات خدا با هر گوه تضرع و استمال از
درگاه قادر متعال تمنا و سؤل میکنم

اظہار تأسف

تأسفی که اظهارش را در این مریضه مخصوصه
واجب شمرده ایم اینست که باره از همسنگان علماء چه
در خود ایران و چه در عقبات طالبات در این نهضت
محبات با آن ذوات محترم اتفاق و همراهی نکرده، سهل
است از قراریکه بتوان رسیده باظهار قاضت و مخالفت
گم بسته و در تمام اوقات نخطی از طریق محبات امت
را باسم بیطرفی یا به سبب مصلحت شخصی پیشه خود
کرده اند، و حقیقتاً ما نمیدانیم آنها یکدیگر بدستواسطه معروفیت
و اشتها خود را طالبند بجه اصاف و بجهرو میخوانند
لباس حقایت و در تشریح را ولو هم که ظاهری باشد بر
اعمال خود بپوشانند، و چگونه میل دارند که اولاً
حجابت عقاید شن آقایان نکرده، و ثانیاً کافه افراد
این ملت زیر فشار استبداد باقی مانده خودشان به بهترین
و حسی و خوشترین طریقی زندگی کرده از دور تماشای
ظلمهای بحد و حصر بپردازند -

برای حقایت ما همین بس که ما ابدأ از بنگونه
علاء توقع نداشته و نداریم که مانند آن آیات الله خانهای
مقدس را وقایه امت کرده و علم ارشاد را بکف گیرند،
بلکه فقط توقع مان همین است که افلاً زبان و قلم خود
بخریاد ما رسیده نگذارند تا آن درجه زیر فشار استبداد
بمانیم، یا اینکه اگر از جان خود خلیل خوف و هراس
دارند استعفا داریم که لا اقل سکوت و خاموشی پیش
ساخته تا ایندرجه معاونت ظلم و حجاب ظلم نکنند ولی
مع التأسف می بینیم که باوجودیکه دیگر شبهه در مخاطره

این و ورود علمه بدین اسلام نماند و بحق کفار
می هم دارند بحالت امروزی ما دلسوزی میکنند
مذا آن نمره مردمان که خودشانرا حافظ حقوق و
می شریعت خوانده اند العین در صدد تقویت ظلم
نمده و موجب زویج استبداد گشته اند -

سبحان الله گویا این مردم هنوز نمی بتند در این
بکت ببه محشر کبرائی قیام کرده و چه اشکها
لی سبیل از اثر ظلم و ستم جاری شده است ، گویا این
پارگانی تا کنون فهمیده و نمیخواهند فهمند
کلیه مصائب ایران و همه بلیات وارده بر ایرانیان
عدم اجراء شریعت خداست ، و برای استخلاص این
ست و مملکت چاره جز اجراء احکام الهیه و استقرار
مدلت نبوده و نتوان بود - آیا با این حرفهای
الهی که ما در اداء مقصود خود بکار میبریم دیگر جا
بمکان برای اضافه که مشروعه بر احکام الله می ماند؟
اگر مباد ، آیا البیاد الله در این قانون مین هیچ
سکی هست که تا مشروع باشد؟ خود همین نکته
البداهه واضح میکند که هم الحتراع این لفظ و طرح
ماخذهش در ماده ایران باهمال بی حزمی بعمل آمده
و هم بدبختانه آن اشخاص خیر هموم را بر فتح شخصی
رجیح داده و در جاده خود پستی سیر دارند ، و
ز این است که ما با هزاران دلایل میگویم و از گفته
خود دلشادیم که گناه این همه سنگ دماغ آقدر نهی
اموال و آن اندازه ظلم و ستم که از قاصبان حقوق
ملی نسبت ب مردم ایران شده تماماً برگردد چهارم رنگان
هلاه میباشند و امیدواریم که طاقبت و مال آن مظالم
با سوء حال دانشگیر ایشان شده و سزای این بلیات
بین را در بوم الحساب حاصل کند

مرض مخصوص

یقین داریم خاطر مبارکت بهتر از ما مستحضراست
ولی بازم محض تأکید لزوماً مرضه میداریم ، که احکام
مقدسه ذوات محترم اثریکه باید در ایران بکند کرده و
اداره استبداد برای رفع و دفع آن اثرات درسدواند هر
وسیه که بتواند نسک بچوبند و شاید برای حصول آن
منصود ، امورین مخصوص بقتبات طالبات هم روانه دارند
که اول بعنوان مصالحت و آشتی پیش آید و بعد از آن
بذوابع مختلفه ولو به اذیت رسانیدن بوجود مقدس

حجج باشد ، تثبیت نموده و حق المنفرد در این طریق
جامد و ساهی باشند ، و لهذا از پیشگاه حضور موفور
السرور مستمدی جناح که در این خصوص مواظبت
و مراقبت نامه فرموده و بیشتر از بیشتر در محافظت
و حراست وجود عزیز خود ذیل سعی فرمایند ، هر چند
ما میدانیم که خداوند متان حافظ و ناصر آن ذات محترم
میباشد ولی بازم احتیاط شرط است و ما امیدواریم
که تیر امراض قاصبان حقوق بسنگ نوبیدی اصابت
کرده در هر دو سرا خائب و خاسر باشند و پیوسته آن
وجود مقدس و حسیب الاسلام عنی آقای آقا شیخ
عبدالله و آقای صدر عاملی ادام الله ظلها شرفقات
رسانی و تأییدات صمدانی موفق و موید باشند

والسلام علیکم و رحمة الله و بركاته

(ایرانیان مقیمین جاوه)

کاش مرا مادر زادی

ساعت ده روز ناسوما در حالیکه مغموم و مبهوم
نشسته بود فرانس بست مکتوب دور سیاه مانی سفارشی
از (بیروت) بدستم داد ، بامتهای خلق گشوده بدوا
امضای او را نگریسته دیدم قره العین احرار آقا میرزا
محمد علی فرزند ارشد سید شهید مسموم مظلوم آقا
سید جمال الدین واعظ اسفهای حکه در مدرسه
(انطورا) بی بیروت مشغول تحصیل است نگاشته از
ملاحظه خط برادرزاده تیم مظلوم بی اختیار سرشک
از دیده ناریدن گرفت و ناسومایم فاشورا شد - خط
مذکور ازین قرار بود :-

آخری خطی که از والد شهیدم رسیده بود برای
ملاحظه فرستادم ، و شده کافی السابق در مدرسه
(انطورا) مشغول به تحصیل ، امیدوار است بجهتائیکه
نسبت به برادر شهید خود داشتید حالا در حق
برادر زاده تیم خوبش داشته باشید ، صدق (شیرا
بچه می ماد زهو) من هم امیدوارم محقریب خدمات
خودم را نسبت بادر عزیز وطن ظاهر نمایم
(محمد علی ابن جمال)

صورت کاغذ سید شهید مظلوم

(سید جمال الدین واعظ اسفهای رحمة الله علیه)

(که از زندان حسام الملک از روحرد)

(فرزند ارشد خود آقا میرزا محمد علی نوشته است)

میرزا محمد علی جانم - کان میکنم این آخرین کاغذی

است که تو از بدرت دریافت مبنای، چونکه بواسطه این مات مرده بر حسن دشمن بر ماها غالب شد، حالا دیگر چاره از دست رفته، باید مرده جان داد رضا برضاهت نور چشم - میدانم در اینصورت در ضربت نشا خلیلی سخت خواهد گذشت، ولی اگر طاهر باشی باید برخلاف خوشحال شوی، چه بدرت شهید وطن داشته شرف و افتخار است

امروز ما هزار آلتاس توانسته ام این کافذ آخرین را بشو که بسر او شدم هستی بنویسم، تو هم اگر پسر من هستی بیروی از کردار بدرت خواهی نمود، و از جان دادن مضایقه نخواهی کرد

خدا حافظ قوت قلبم - بیشتر نمیتوانم صحبت کنم اسباب خوشبختی خانواده ات باش

خدا حافظ نور بصرو آرام دلم - اگر وقتی شخص رمضانلی نامی پشت آمد و انگشتر و مهر مرا نشان داد خلیلی احساس کن، که این يك جوان رفیق و ممد بدرت در این اوقات است (یا عدل و یا حکم احکم بیننا و بین قوم الظالمین) (جال)

جبل للقبین

قره العین احرار وطن خواه ۱ هرگز کان نکلیده ملت نجور ایران خدمات ذی قیمت والله بزرگوار شهیدت را فراموش نباید، و آن در دانه یادگار آن سید مظلوم را از خاطر محو سازند، عاقرب آن روزیکه ملت نجیب ایران ابراز قدر دانی در حق حدام حقیق وطن خود نه نمایند خواهد رسید، ملول باشید ازین که بدر بزرگوار شا در راه مادر فریب وطن شهید گردید، چه هماره مردان راه خدا مانند شمع بسوختن خویش برای ضیاء بخشی بهالم انسانیت مصمم شده اند (لیست هذه باول قارورة کسرت فی الاسلام) میدوارم بفناد (اگر بدر نتواند پسر تمام کند) خدمتیکه والله شهید شما مهلت نیافت بوطن اسلامی خود تکمیل نماید شما تمام کنید

ازین خط جنان معلوم شد که ظاهراً قاتل سید بزرگوار حسام الملك بوده نه مظفر الملك و ما از نسبت قتل سید که بمظفر الملك داده ایم معذرت میخواهیم ولی مظفر الملك را در گرفتاری سید مقصرو تا اندازه شریک خون آن شهید مظلوم می بیندایم، خداوند هر يك را

باندازه تقصیر سزا بخشد و یقین بدانند که خواهد بخشد

اعلان از انجمن مقدس ایالتی آذربایجان

بسموم تجار داخله و خارجه

چون امروز الفظار سیاسیون متوجه آن آذربایجان و حفظ حقوق اتباع دول خارجه از ام مقاصد احرار بوده در تأمین طرق و شوارع و نقل مال التجاره جد وجهه و فی دارند لهذا بسموم تجار محترم داخله و خارجه و ارباب داد و ستد موجود این مشروحه اعلان مینماید، راه جلفا که فعلاً از استیلا اشراط دواقی آزاد و در صحت نفوذ آزادی طلبان است از تبریز تا سرحد جلفا در کمال امن و راه عبور مرور قافله باز است، آقایان تجار و کپانچی و عمال با نهایت اطمینان مال التجاره خودشان را حمل و نقل نمایند که از تعرض مصون خواهند بود، بسموم بیاشربین و مأمورین خط راه مرند و جلفا هم اصکیداً سفارش میشود که در حفظ راه و مبادات قانون حقوق راه محض اتحاد دولتین قوی شوکتین کمال مساعدت ر نموده نگذارند اسباب شکایتی برای امنای ملت فراهم آید، همچابن بسموم اهالی قراء و قصبه مرند و حدود قراجه دغ اعلان میشود که با کمال امانت و اطمینان بشهر عبور و مرور نمایند ابدأ از کسی مزاحمت نخواهد رسید (انجمن ایالتی)

تنبیه قتل شاه یا بازی دیگر

ترقی مینویسد، تلگرافهای طهران خبر میدهند که شاه در حالیکه با ولیعهد و امیر چادر در اطابق مخصوص مشغول مذکره بودند دو نفر در لباس طلاب وارد شده و شلیک می نمایند، فقط یکی از گلوله ها بسر دوش ولیعهد اصابت نموده سر دوشی را می کشد و باقی گلوله ها هدر می رود، فوراً قزاق وارد اطابق شده آنها را میگیرند، از قراریکه معلوم گردیده اینها از جانب شاهزاده فرمانفرما تهریک شده بودند، چون مدتیست فرمانفرما در آرزوی تخت و تاج وقت میگذرانند ما این خبر را بیچ وجه باور نمیکنیم، و اگر قدری تفصیل بایم حبله بودن این مسئله محقق می شود بطوریکه همه میدانند این ایام شاه خود را با کمال دقت محافظه می کنند، نه تنها دربار بلکه تمام طهران را

مفتش و جاسوس مملو است ، در هر گوشه خفیه ها و در هر قطعه قراولها ایستاده اند هر صکس میخواهد باشد حضور شاه نرسیده هزار قسم قتلش می شود همییا بطور شد دو نفر آدم نامعلوم آنها در لباس اهل علم داخل اطاق مخصوص شاه شدند و کسی از قراولان و قابوچیا اینها را ندید (لازم می آید که بحقیقت سرمه خلق اعتقاد یابم)

در تالی تصور میکنیم که وارد شدند ، آیا عمل ماور میکند که این دو شخص نامعلوم با این همه شجاعت و جرئت داخل اطاق شاه بشوند و به هر شلیک نمانند و فقط یکی از گلوله ها سر دوش و لبه را برده و با حدی از این سه فر گلوله اصابت نه باید

حالا به پیغم مقصود از این حیل چه بوده است ، بنقیده ما کلید این مها همان اسم فرما فرماست ، شاه میخواهد وحدان منضجر شده امالی اروپ را که از خدمه و قرض عهدهای بی دربی خودش بازجا و وحدت آمده هر وسیله که باشد آرام یابد ، و برای این کوشش میکند که امالی اروپ بفرماند در ایران مشروطه طلبی و مدعی حقوق و اطاعت قانون اساسی کسی نیست فرما فرما و امثال آن مجبه امراض شخصی خودشان این فتنها را برمی انگیزانند .

ولی بد بختانه این حیل هم مثل سایر خدمه ها نتیجه نه بخشید ، امالی اروپ بدین درجه هم زود باور نیستند ، از این دسیسه ها زیاد دیده و شنیده اند ، درست ملاحظه فرمایید که با همین تلگراف تلگراف ذیل هم مخبر شده

(در ایران کار دولتیان سخت زار شده ، دول آلمان و اطریش و عثمان هم در کارهای داخله او مداخله نموده افتتاح پارلمان را در صورت قطعی میخواهند) این است که این زور های خارجه ، شاه را مجبور میکنند که متمسک باین حیلها بشود .

(ما را عقیده این است که وجه قندی هم پیش فرما فرما سراغ کرده اند میخواهند او را باین سخنان مجین لداخته مجبه مخارج خلوت اخذ نمایند)

ترجمه روزنامه صباح

احوال ایران روز بروز صکسب و غامت میکند این غامت دو قسم است قسمی بخود شاه یابد و قسم

دیگرش به بچاره گان که در تحت فشار ظلم و استبداد شاه واقع شده اند راجع است ، متعاقب هجوم ستارخان باردوی عین الدوله و انزلی اردوی ده لاق و تطهیر صمغ آرماتخان از لوت و خود مستبدین ، منسوبین مخصوص ستارخان از قراجه داغ به تبریز آمده قلع بهادر خان با اقر حار سمت طهران حرکت خواهند نمود احتمال احرار از قلع عمده آنت میکنند که قوه موجوده آنها از هر حیثیت به کمال است بلا تردید اشغال طهران از جانب احرار مسکویت عظیمی براسیسه سلاطه قاجار خواهد بود ، شبهه نیست که احرار ابراف عمده حصول باین مقصد مدیر لارمه اتخاذ نموده اند حق در داخل پای تخت تماماً طرفدار مشروطیت و احرار اند ، بمجرد حرکت ستارخان آنها هم قیام خواهند نمود و این نخص سفارت محض اتهام حجت است که دیگر محل حرفی مجبه شاه اقی یابد

تلگرافی است که مخبر مخصوص روزنامه صباح از برلن نموده

در سفارت خانه عثمان چهار صد مانتجی رفته و هسا کر شاه سفارت عثمان را محصور داشته دخول اوزاقرا بتوسط خدمه سفارت هم طابع شده اند

روزنامه صباح مینویسد که برای این سفارت که بسفارت عثمان شده نظر دفت باب عالی را بشدت حساب میبایم ، عاصکرها شاه محصور داشتن سفارت را و محاصرت از دخول اوراق حقیقاً بحقیقت عثمان امرض بزرگ حاصل کرده ، این معلوم است مقصود از این تضییق بسفارت مانجی هارا مجبوراً بیرون آوردن است و این مسلم دیاست که عثمانیها هیچ وقت مانجی های خود را پس نداده و نخواهند داد ، تاریخ عثمان از وقایع جواهر دانه مشهور است ، آقا محمد خان که بواسطه سلطنت جد این شاه حساب میشود ، و در تاریخ هزار و دو بیست و ده که دولت عثمان به مهران عظیمی گرفتار و کوماندای ناپلیون تمام اروپا را متزلزل ساخته بود انقلاب داخلی فرانسه در صرحه کامل و دولت روس گرفتار مداخله سیاسی خود بود دتیق از آستین در آورده قراماغ و گرجستان را مسخر کرده مدخله روس هم حمله برده ، در کمال اقتدار بهر طرف روسی آورد قلع و غلبه با او بود و بواسطه این انقلابات عالم

کسی هم نبود که مقابله با مشارالیه نماید، در همچون موافقتی ملتجی‌های خود را ایران از دولت عثمانی خواستگار شده با وجود اینکه رنجش خاطر او بی‌بیج وجه صلاح حال دولت عثمانی نبود جواب صریح داده و بکلی این تمناهای او را رد نموده، حالا این غریب است که شاه مستبد ایران امروز با این معاملات زیوانه خود که حکومت و مملکت خویش را با استیلاهای اجانب عرضه داشته و تحت و تاجش در محل خطر است چینی که از ظلم و جور یزیدانه او بسفارت عثمانی الا مان گویان پناه آورده اند میخواهد مجبوراً آنها را از سفارت عثمانی که در واقع مملکت عثمانی است بیرون بیاورد، پناه علیه راه آب و نان را بخدمة سفارت می‌بندد، معلوم است که در این باب به باغبالی خبر رسیده البته تا حال بجهة حفظ ناموس سفارت اقدامات لازمه بعمل آورده‌اند.

حق واقع اینست که ما رحمت غیرت و حیت عثمانی‌گری ابداً نمیتوانیم آمد از باره کردن زنجیر استبداد حالا دیگر از یکدیگر مستبدیکه با هزاران مظالم مشهور است زور شلیده و تحمل نایم

احرار آذربایجان صفحه آن خاک پاک را از وجود ملحموس مستبدین پاک نمودند، حجاب ستارخان سردار ملت منتظر فی الجمله اعتدال هواست که بطهران حرکت نماید روزنامه (ناب فرایه پره سه) سوتی عسکر روس را بسرحد ابراف اشاره کرده و میگوید این هم بموافقت انگلیس خواهد شد، اگر راست است باید منتظر اقدامات آلمانیها باشند چه آلمان هم ادعای حقوق دارد

ستارخان کیست

از پنج ماه اینطرف اداره کتندة آذربایجان مجاهد قیور ستارخان اساساً شخص امی است از وقتیکه کوماندانی احرار تبریز را بعهده گرفته عنوان خلی و از طرف ملت احتراماً جایز شده، چند سال قبل در فلپس اقامت کرده در وقت الشاء خط راه آهن فلپس با پروان مقاطعه کاری های بزرگ را میداشته بعد از اتمام راه منور بیاد کوبه رفته در آنجا مدتی بسیر حلبات انجمن‌های سری قفقازی ها مشغول بوده تا معلومات صحیه بدست آورده وقتیکه روزنامه ارشاد و شرق روسی بزبان ترکی آذربایجان انتشار شد بواسطه

امی بودنش مخصوصاً با اجرت معین از این روزنامه ها باحوال عالم کسب اطلاع میکرد است، اغلب حضرت مظفر لدین‌شاه مرحوم بمجرد دادن اعلان مشروطیت تا آذربایجان آمده اساسی مشروطیت را با اهالی حالی میکرد تا زمانیکه در طهران و در سایر نقاط ایران مردم از ظلم و جور مستبدین مجبور بسکوت شدند، ستارخان با فرقة قبلی از مجاهدین سرماز زده بزیر ظلم ترف امنیت تا امروز در مقابل استبداد مثل سد آهنین ایستاده اسم سامی خود معروف و مشهور عالم ساحت § جوانان قفقازی که در دارالفنون پطربورخ مشغول تحصیل اند بجهة عریضه تشکری که ستارخان میخواهند بنویسند امضا جمع مینمایند

§ نایبده های تجار و روحانین که عبارت از ملک هیئت بسیار جسم اند بسفارت عثمانی رفته اعاده قانون اساسی را میخواهند، بمجرد رسیدن این خبر بحکومت سفارت را با قشون محاصره نموده نایبده عثمانی پروتست سختی کرده قشون را عقب برده ساحت ناظر سفارت هستند که دیگر کسی بسفارت نرود،

§ در باب افتتاح پارلمان دولت روس و انگلیس ورقه روسی که بحکومت ایران داده اند هنوز جواب داده نشده

تبریز

از بعد ۱۷ رمضان که تبریز از لوث وجود مستبدین پاک شده اگرچه اسلام کشان ما را آسوده نگذاشته اند مع ذلک تمام مواد تمدنی درین شهر شهر قائم گردید، ادارات عدلیه، مالیه، صحیه، بلدیه نظمی و غیره و غیره تمام با منتهای خوش اسلوبی در تمام قونسلات خارجه با کمال تسبب تصدیق دادند که ادارات تمدنی تبریز در منتهای نظم و سحت است، اداره صحیه تأسیس شفاخانه بسیار عالی نموده، جمیع نایبندگان دول روز افتتاح شرکت داشتند در همان مجلس سی هزار قران اعانه برای شفا خانه جمع شد مالیات از جمیع طبقات عادلانه گرفته می‌شود حقوق رعایای خارجه هم مالیات معینه را در کمال امتیاز میدهند حاصل آذربایجان امسال بسیار خوب شد بمقدار دو سال آذوقه در شهر جمع نموده‌اند گمرکان

در حال انقضا و وصول می شود، اداره لشکری آذربایجان خلیل منظم است. مال و جان رماهای خارجه در مملکت های املیت است، انجمن ایالتی درین قلیل زمان شوق القمر کرده حکام بهر نقطه میفرستند و انقضا مکتب میدهد، در مقابل دشمنان اردو کشتی میکند، از همه پیشتر در ترویج آثار تمدن کوشان است، اوامره با مسلمانان برادرانه سلوک دارند و مملکت های حمایت را کرده و میکند، دو سردار ملی ستار خان و باقر خان چون شیر و شکر درم آیدخته در محافظه حقوق و طلبه کوشان و سر ۲ با مطیع اوامر و نوامی انجمن مقدس ایالتی اند و انجمن هم همه بی مطیع و متفاد احکام حضرات آیات الله اند

مکتوب علیا حضرت امپراطور روس

آلمان بنام رئیس کمیته

زنان ایرانیان اسلامبول

بوسیله سفارت رسیده است

خام - اعلیحضرت امپراطور روس کمال تأثر دارد از مه اد تفرافیکه در تاریخ ۸ شهر ایلول از طرف شاه به ایشان کشیده شده است در ادره فلات زهای برای بنده از طرف امپراطور روس مأمور شده ام که حسابات متاثره ایشان را حقه زنان ایرانی به رئیس کمیته عالیه خام تبایع نمایم -

و ضمناً اعلیحضرت امپراطور روس هم ملامت لارمه امر داده اند که نهایت اقتدار را به دوریکه در دست ایشان هست بکار برند و فلاکت زنان ایرانی را مانع شوند. باقی حسابات صمیمانه مرا قبول فرمائید.

سفر آلمان (س - مارشال)

مکتوب از طرف جمعیت صاحب

زنان عالم به رئیس کمیته زنان ایرانی

(صمیمانه عالیه خام)

از شرح راجع به محنت و برداری نسوان ایرانی بی اندازه متاثر گشته، حواشمندیم که مراتب محبت قلبیه ما را نسبت با ایشان تبلیغ نماید.

از انجائیکه بقین داریم محنت و غیرت مشترک نسوان

تواند حال عالم اسانیت را اصلاح نموده و بلکه انواع مملکت را که بوج شر دوچار آن میباشد ممکن است تغییر دهند، این مجلس اتحاد نسوانیه را تأسیس کردیم تا اینکه دودۀ صالح و اخوت عمومی بروز نماید. اگر چه نیل باین آرزو قدری مانع و بطالت میسر میشود. ولی عمقاً بواسطه تربیه خلل نابذیر اقوام دست رس بآن ممکن خواهد بود.

برای اشترک در این انجمن اتحاد نسوان تمام ممالک را دعوت نمودیم بسیاری از آنها در ضمن ارسال جواب شرکت در مجلس ما را قبول کرده اند. و خلیل خوش بخت خواهیم بود که یک دسته از وکلای نسوان ایرانی نیز در سلسله متحدین خود داشته باشیم، و بدین است که شاه رئیس فخری آنان خواهد بود.

عجالتاً متنی مستقیم که در نزد نسوان جور و بردار ایرانی ترجمان حسابات طابوده و بانها بگویند که ما دست دوستانه خود را بطرف ایشان دراز کرده و حسابات مشترکانه عمومی خود را بانها تقدیم مینمایم. احترامات فائده و تقدیرات هم مسلکانه مرا قبول فرمائید (ماری زینکا)

رئیس کمیته عمومی مجلس اتحاد عامه نسوان عالم

جواب

کمیته نسوان ایرانی از اسلامبول به

کمیته نسوان پاریس

(۵ ذیحجه الحرام ۱۳۲۶)

خام - مرقومه آن هیئت محترمه مورخه ۸ اکتبر ۱۹۰۸ رسیده و خاطر ما را که از اتفاقات ناگوار وطن آشفته و پریشان بود تسلیق بی اندازه بخشیده الهی امید ما را منجلی ساخت، زیاده خرسند شدیم که آن محفدرات پاک طینت ما همه دوری مکتوب در رقم ما حصه گرفته اند.

آری وظایف شریعت اینگونه نوازش های نازک را بر تربیت یافته گان عالم اسانیت واجب میکنند.

صرف نظر از جاذبه جلوسیت مهم ما ایرانیان یکنوع محبت خاصه، س از قدیم فرانسها داریم، تا مدتی حقه اطلاعات ما خیلی محدود بود اروپا و امتعه السامان را کاملاً بنام فرنگ و فرانسه میخواندیم و

مبصریدیم. اگر ایران بویژه گروه سوان از علوم
حاضر و احوال ملل و تاسیس رابطه با خواهران
فراسته خود آکنوف محروم مانده ایم تمام تقصیر با
حکومت مستند است که چشم و گوش طرا مسعود
خو... حالا هم که پس از سالیانی دراز از خواب
خفتان بوش آمده میباید اهمیت حقوق خود را باز پس
بگیریم و پیروی از ملل متمدنه بایم می بینید و میشنوید
که مخاصمین بر چه شده چه رسرما می آورند

به سبب امضای مجلس گرمی بحضور تمام مخدرات
فراسته سلا عرصه مسکرده مانع مستم که بشکرا
استراحتی که در درفش جمهوریت میکنند با دلهای
پاک ما مصیبت زدگان را دعا کنند و به منتضای حسن
توفیق که دارد گرفتارهای خواهران ایرانی خود را
فراموش نکنند

اینکه در یگانگی مجلس ما را متحد و شعبة از
انجمن خودتار قرار داده اید قبول کرد اقتدار میبکام
که بیست محترمی از سوان یک ملت مجید و متمدن دنیا
دست اتحاد نسوی ما دراز میکند، تذکرت صحابه
خود را تقدیم آف محضر فرخنده نموده دعا میکنیم
زنده باد آزادی و جمهوریت - تاود باد ظلم و استبداد

خلاصه ترجمه اخبارات خارجه

(راجه ایران)

§ فرما فرما که بحکومت اصفهان مأمور شده بصد
سوار عالی میبختیاری را که جزو کشیکخانه بودند
با ارباب الحکومه باصفهان خواهد فرستاد، مقصودش
اینست که فاق بین خود بختیارها پندازد، (بمسئله
ما رسیدند اند که بختیارها در طهران هم بیجان آیند)

§ حرکات بختیارها در اصفهان کسب اهمیت نموده
مالی شهر اعلان داده اند که اگر در استحصالی
حقه قمصوبه ملیه و افتتاح پارلمان با آنها همدست وهم
ادکار بشوند اهالی را در دست قشون دولتی گذاشته
خودشان خواهند رفت

§ تأدیبه وجه قارت وجوه بانک انگلیس هشاد
و پنج هزار تومان از گمرکات خلیج فارس دولت قبول
کرده برساند

§ نظر بشایعانی که دووان نموده شش هزار سوار

افغان با شش هزاره توب از طرف سیستان تجاوز
بخاک ایران نموده اند (گویا مردون بصوب نیاشد)
§ متجاوز از یکصد نفر در مساج بطایفه ما می
شلول در کوجه های طهران شده فحش داده حرکت
میکردند، و گویا مقصود از این حرکت بصد آوردن
اداره نظایه بود، ولی بر عکس اداره نظایه منظم
آنها شد

§ یکتفر از احرار شیخ فضل الله و محرش را
بجروح مسکرده زخم شیخ سرش ولی زخم محرش
مهاک بوده ضارب خودش را نیز تلف نموده است
باین واسطه خیلی و احرار گرفتار شده و خانه بسیار هم
سخت نهمی و تحقیق آمده مستبدین آره ترس افتاده اند
§ مصمم السلطنه در اصفهان طرفدار مشروطیت
بوش را اعلان نموده، در اصفهان هم مثل تبریز
مشغول انتخابات دکلاهی مجلس ایالتی هستند

§ ایل قشقایی سیران هم همراهی خود را بصمصام
السلطنه اطلاع داده است حرکت این کلهور کرمانشاه ن
هم از روی همین نقشه گفتگ می شد

§ برای تنظیم قشون اقواء است... از آلمان چهل
پنج صاحب منصب میبخواهد حاجت باید معاش اینها را
از کجا خواهد داد معلوم نیست (این خبر ابتدا مقرون
بصواب نیست چه شاه مانند گنجشک در چنگ شهباز
در چنگ روسیان دوچار است و بزارؤدمر روس
وعدده صریح نموده که برای قشون ایران از خارجه جز
افسران روسی اتخاذ نخواهد شد)

§ بختیاری ها در اصفهان بهوقیت نامه نایل شده
اند مناسبت و ارتباط آنها با تبریز هنوز معلوم نیست
در هر صورت سرایت این اختلال بشیراز قریب الوقوع
است، گسائیکه از حال ایران با خبراند می دانند که این
زودی این انقلاب حتم پذیر خواهد شد

§ علاء الملک فسخ عنایت از رفتن بلندت کرده،
گفتگوست که باسلامبول خواهد آمد (آنچه با خبر
رسیده گویا فسخ عنایت باسلامبول را هم کرده است)

§ اهالی اصفهان بجهت تأسیس پارلمان و اعاده قانون
اساسی از دول اجنبیه استرحام نموده اند

§ فرما فرما با هفتصد سوار طازم اصفهان گردید

§ اگراد در نزدیکی جلفای تبریز کاروانی که مرکب

از سیصد شتر بوده قارت نموده و همچنین بست را نیز قارت کرده اند

§ روزنامه (لوقال انس پیکر) مینویسد اهالی اصفهان بهمه سفارت های اعلی تلگراف کرده و انتاج انجمن ایالتی اصفهان را رسماً اطلاع داده و معاونت آنها را طلب نموده اند، معلوم می شود که اصفهانم مثل تبریز خود را مجزی دانسته ادا نمکین بشاه نموده و چیزی هم نخواهند داد، خواسته اند با تبریز حضوری بخاره نمایند ممکن نشده است، شاه قدری سوز عالی بی نظام و بی ترتیب باصفهان فرستاده است

§ از پترزبرگ به تلمس خبر رسیده که درباره ایران تذکره تنظیم شده احتمال است فردا از طرف اسوالسکی وزیر خارجه بسفارت انگلیس داده شود، چون خیلی مفصل است ترجمه آن دوسه روز کار دارد، وقوات ایران دفعه اول است که تا چنین تذکره اعلان میشود در اتخاذ و تعقیب مسلکی که روس، انگلیس دارند معلومات لازم را سابق داده بودم فقط یک مطلب مخصوص آن تذکره را میتوانم بنویسم که آنها مسئله اصلاح مایه ابرار است که خیلی ناان اهمیت داده شده، وزیر مایه سابق ابرار باعجا فرار کرده بود دوباره بجهت تحقیقات رای طالبات احضار شده بود چنین جواب داده که در ابرار نام مایه چیزی نیست که من وزارت آرا قبول توام نمودم وزارت خانه ها در ایران مثل التزام داده شده است، یک حصه کوچکی ارمایه مجزی شده مابقی تمام بحیث نام میرود، در این تذکره رسماً اظهار شده که مسامی ائتلاف روس و انگلیس اصول مایه و واردات دولت را در تحت قاعده سلا تواند آورد

§ روزنامه نیوروییا سعدالدوله را ترقی بمقام وزارت نوشته اظهار میدارد که این کار را دلیل اصلاحات ایران می بیند ارم سعدالدوله بوقایع نگار نیوروییا بیان کرده که اصلاح ایران منحصر بهر می روس است و پس !!!

§ نهر تبریز از طرف تشون شاه محاصره شده است

§ زیر خابحه ایران سعدالدوله کابینه وزارت خانه ها را از نو تشکیل خواهد داد، شاه ایران فقط بدانش این شخص میتواند کار نماید !!! سعدالدوله حوال ایران را خیلی مهلك مشاهده مینماید، با وضع محاصره در ایران

کار روان خیلی مشکل است، عمده سبب تعطیل کارها نبودن مردمان با درایت تحصیل کرده است در قضا، جوانهای تحصیل کرده ایران هم باصلاح کارها اقدر ندارند باین ملاحظه مستشار و معلم ما اردرنگ باید جلب شود، خزینه ایران هم نکلی خراب است، معاش مأمورین نظامی و مایه داده نمی شود براساس این کارها هم استقراض خارجی لازم است (از ابتدای سلطنت مظفرالدین شاه تا کفون هر وزیر که بسر کار آمده اصلاحات را بیک استقراضی دانسته و مکرر هم قرض عوده جز خانه خود را تعمیر نموده اصلاح دیگری یافتیم) و مقدار این استقراض دو بیست مایون فرانک است اگر این استقراض از قوه فعلی بیاید حکومت ایران قدری تخفیف بار خواهد کرد، شاه ایران در صورت حدی باصلاحات میکوشد، ولی همعاون های فعال و با اقتدار مالی دارد، و از تکرار افشاشات سابق هم خیلی میترسد، سعدالدوله میکوبد می اگر رئیس کابینه بشوم بروگرام مخصوص تازه را تعیب خواهم نمود، حرف در سر وزارتخانه های دیگر است، مخالفت بعضی ارمردمان قدیم و مستبدین و مجتهدین و علمایم مشهور میشود و من از این مخالفت میترسم باوجود اینها ترقی پروران غلبه نخواهند نمود.

مسئله قصد خان شیخ فضل الله موجودیت هیئت عظیمه حریت روزه را در طهران نشان میدهد حریت پرور ایران در استحصالی مشروطیت و اطاده قانون اساسی مجتهد تمام میکوشند، جلوگیری از اشرا خیلی سخت است ائتلاف روس و انگلیس هم مشروطیت ایران ا ترقی و تکامل آرا آسته آسته تأمین میکند احوال پران این روزها متایل بکس اعتدل است، فرطاً ما مختیارها مشغول مذاکره است، اگر این مذاکره بی نتیجه بماند وقوع مصادمه محقق است

§ مساکر شاهی بحمله تبریز حاضر می شوند محصره تبریز هم از احتمالات است

§ طرفداران فرطاً از کار کنار می شود

§ قوی زاده که از اعضای پارلمان بود از لندن رایتورها به تبریز هودت کرده

§ شیخ فضل الله از بایش زخم برداشته

§ دسته سوارهای بخندری را از طهران اصفهان

میفرستند. رئیس اینها (سردار مظفر) وادر مصمص
الساطه است

§ تلگراف های لندن ظهور هیجان بزرگی را در
طهران نشان میدهد

§ مسئله اسفهان خیلی بشاه اثر کرده کلی دست و
پا را کم کرده است

§ محافل سیاسی انگلیس حکم میکند که حالت ایران
روز بروز کسب وخامت خواهد کرد

§ وکیل الدوله در مجلس اظهار داشته بوده که مدین
اعاده مشروطیت ایران کسب سکون نخواهد نمود، بجهت
همین حرف بچاره چوب زیاد خورده، حکم شده و در
گوشایش را هم برند، صدر اعظم بهزار تومان گوش
های او را خرید

§ درباره تریز فکر دولتیان اینست که بهر نحو باشد
راه آذوقه را مامل شهر بته بحال خود بگذارند
ومفسدین چند هم در شهر بلیاس مشروطیت فرستاده
تا نفاق بپیان آنها انداخت خودشانرا خود مشغول سازند
§ از طرف انجمن مازدران اعلانی منتشر شده
صورت آن مطابق ذیل است

§ بموم علما وصاحبان ملك و نجر و کسبه ورعیت
مازدران اعلانی میشود که تمام سیاسیون علم معلوم
گردیده که استقلال مملکت بته مشروطیت میباشد و محقق
است که باستبداد عدالت پیش نخواهد آمد و بان لحاظ
زودیک بود که خلك مذلت بر سر ما ریخته مملکت بجهزار
ساله خود ما را بدست خود با حان داده و تا شایان نام این
بود که علما عظام و مجتهدین نظام برای استحکام ریخته
استقلال مملکت نظر ما صاحب شریعت جهاد در
استحصال مشروطیت را فرض فرموده و تمام افراد مسلمانان
از اطاعت آن حکم خارج نیستند، پس ما را است که مطیع
اوامر مطاعه آهائنده در محاضرات و محارست مشروطیت
خودمان تا آخرین قطره خون خود بکوشیم تا جامه
زمان بیوشم، لهذا ما اولاد وطن که حس وطن برستی
در اعصابشان باقی است اعلان و اخطار میبایم که در
(تنگان حرم آباد) انجمن ولایتی تشکیل شده در هر
نقطه و در هر طرف اگر بکسی علم و تندی بشود انجمن
اطلاع داده فوراً هیئت متدین با امانی فرستاده در
کمال اتدات تعدیات را رفع خواهد نمود

انجمن (تنگان)

تلگراف صدر اعظم بعلمای استرآباد

از طهران - بجنابان مستطابان آقا شیخ محمد
حسین. و آقا شیخ محمد باقر دامت برکاتهما، چند روز
است از قرار تلگرافهاییکه از استرآباد بخلاف عقل و
رویه شرع میرسد، اینکه دولت بتمام سؤل و جواب
نیامده بنا بحسن عقیده که مقام منبع علما داشته که
بدیهی است در ولایت چنانچه عوام دارد خواص هم
دارد و در حقیقت منبع عقل همه آنها علماء راشدین
هستند که عوام را از جهل میرسانند، حالا حیرت در
این است چگونه شده است جنابالعالی و سایر آقایان
بهد در این مقام نیامده بخویش حرکت ما گواری
بدولت میبایید، مقلات شهرت داده اند که از جنابان
مستطابان حجج اسلام متعاقباً للمؤمنین بطول بقائهم
حکم صادر شده مالیات باید داده شود، اولاً میخواهم
بدایم این مالیات بکه میرسد، بجز آنکه يك زکواتی است
گرفته میشود باقواج و سرباز و علماء و سادات و سایر
مردم میرسد که تمام اینها برای حفظ ثغور و سرحدات
و بسیاری هم برای معاش است که مردم را نکامداری
نمایند، هرگز علماء دین هیچ حکمی غیر ما بید زبرا که
هرگاه این اساس دولت نباشد علم را هیچ و هیچ تمام
مینابند و احدی نمیتوند يك نماز بگذارد، یا در خانه
خود بتواند با عیال و اطفال خود زندگی نماید، یا
بتواند رعیت در صحرا زراعت نماید که بتواند زندگی با
راه امنیت پیدا کند که نجار و مابین سیل بتوانند
حرکت کنند یا حمل و نقل مال التجاره نمایند یا آنکه
کسی بتواند بهشید مقدس رود

ثانیاً استرآباد مالیات ندارد مگر اینست چهار فقره
خالصه جات دارد هرگاه جزئی حاصل شود تمام را آنجا
بنوکر سرحدی میرسد و قدری را هم بعلما و سادات
مستمری و تکلف داده میشود سالی هم شصت هزار
تومان بول قد از دارالخلافه و کمرک بار میکند با آنجا
برای فسون میفرستند که مردم آنجا را که برادر دینی
خود تان است حفظ و نگهداری نمایند

ثالثاً هرگاه منشاء این حرکات مردم عوام را نوشته
جان است که بهیچوجه معلوم نیست کی نوشته است و
البته عقل سلیب حکم میباید که ابدأ از همه اشخاص

(عبارت تلگراف بدون تحریف و پیرایه عیناً از تلگرافات استرآباد نویل گرفته شده اگر تلگراف
طهران در فصاحت و بلاغت تلگراف تصرف کرده باشد طرا اطلالی نیست)

بزرگ این طور نوشتجات درنهایت چنانچه تجربه کردیم در چند ولایت چند نفر از مردمان خارجه از قنفازی وغیره این نوع نتیجه را بیرون آوردند. حتی مثل مملکت خراسان که بیست ولایت مثل استرآباد دارد با بودن جناب مستطاب آقای آقا میرزا محمد سالمه الله پسر جناب مستطاب حجة الاسلام آقای خراسانی سلمه الله تعالی جوی پدینها را هم دور خود جمع کردند و چند نفر از بعضی آقایان را تیساطین انس گول زده حاضر نمودند سه چهار پنجروز هم در مسجد جامع اجتماع کردند وقتی این خبر بدار الخلافه رسید حسب الامر قدر قدر دو سه تلگراف باها گفته شد فهمیدند بخلاف است فوری عذر خواهی کردند بازارها را که بند بودند باز کردند قبله عالم و روحنا فداء چون تمام این مردمان بمنزله اولاد خود میدانستند محرومی فرمودند. هرگاه محبت در مجلس در میان است حالا قریب یکجا است مجلس خلیل بزرگ که مشعرون از مردم مملکت با که چند نفر هم از اهل هر ولایتی ملحق فرموده تمام اختیار را هم با مجلس محرومت فرموده و الآن مشغول رسیدگی هستیم ما که آن مجلس را همه دوایر دولتی ناظر فرموده اند و اختیار جمع و خرج دولت و سایر فقرات تماماً آن مجلس محرومت فرموده و از تمام ولایات ایران تلگرافات تشکر رسیده و همه در کابینه دولت ضبط است از استرآباد هم میخواهند بکنفر آدم قائل ما دین معین خبر بفرستند در آن مجلس به پند و برای اطلاعات بشما بنویسد. این حرکات ما شرع میکنند. زیرا که این وضعها ثابت و حلیم دارد دولت اجبار میشود که هرگاه به پند مملکتی بی نظم میشود با فتنون خلیل منظم میکند آن وقت جوی در میان قف میشوند و خونها ریخته میشود یقین است جنان مستطاب عالی راضی نخواهد شد که شریک این خونها بشوید هرگاه غیر از این فقرات مطالبی باشد از باب حکومت وغیره بنویسید بعرض برسد و رفع شود (صدر اعظم)

جواب تلگراف فوق

از استرآباد بطهران

مطالب مذکورجه تلگرافی موجب کمال حیرت شد

تمام مقصود علماء عظام و ملت استرآباد ترویج حکم مطاع صحیح اسلام غنایت عرض درجات ارواحنا فداءم که مقلدین ملت اسلامیة و نشر احکام شرع نبوی که همین حکم علماء عظام است بوده. بدون سفری و کبری مختصراً جواباً اظهار میشود بکفتره از احکام صحیح اسلام که از نجف اشرف بتوسط قاصد متدین مخصوص شرف صدور یافته عیناً زیارت خواهد کرد (دستخط حرمت ادبی مالیات و دفاع از مستبدین و رجوب تقویت مشروطیت) ما حاصل مطالب اینست که به عوی حکومت داریم و نه توقع احسان مینا تم اهالی مملکت استرآباد این احکام را بموجب تکلیف مسلمانان لازم الاطاعة میدانند. در اجرای اوامر مطاعه علماء اعلام تا آخرین درجه حاضر و از کشته شدن خوف نداشته و از تهدید هم ندارند. هیئت مصلحه برای احراه حکم مطاع علماء اعلام و اصلاح مملکت و دفع خونریزی جوی از آنها با عده که لازم است از ملت حرکت خواهند کرد. و اعلاء کلمه حقه را انشاء الله خواهند نمود وغیر از این کسی را مقصودی نبوده و از این قصد نیک تا خون در بدنهای مسلمان جاری است دست بردار نخواهند بود و باب انعقاد مجلس طهران این مجلس در دوامان میبخورد (میان ما من تا ماه گردون) الخ مراد حکم علماء اعلام اعلاء کلمه مشروطیت و مجلس شورای ملی است لا غیر

محمد حسین - محمد باقر - قاضی

ایضاً

تلگراف صدر اعظم

طهران به استرآباد

از اخ - بخنامار مستطابار آقایان عظام آقای حاجی شیخ محمد حسین و آقا حاجی شیخ محمد باقر سلام الله تعالی تلگراف حضور جناب عالی را دیدم. ما بر حسب من ازور لغت خطا و ملائکه بر کسی باشد که میخواهد از دین انسا عسری خارج شود. یا آنکه ضدیت با آقایان نواین نماید. شما نوشته اید توفی ندارید. سخن از طمع و توقع نبود که اینطور نوشته اید. بطول میشود که تلگراف را درست نموده اید. طرب است جناب عالی آن تلگراف را درست بنویسید. فکر نایید که بدانید چه نوشته شده

مال مطالب را درست ملاحظه نمایند تا وقت و حلیه این مسئله را برآید دیگر به سنجید که کار نکجا منجر خواهد شد ، و چه قدر خوب ریخته میشود ، هرگاه بعد از این ملاحظات تکلیف شرمی خودتارا دیدید آنوقت دیگر نمیخواهد بود ، شما همیشه تصور مینمایید ، که دولت از مملکت خود صرف نظر مینماید من از بابت تکلیف مسلمانان خودم را اینطور میدانم که راضی شوم بر یک مسلمان صدمه رسد این تلکراف میکنم و الا جنابان عالی را زحمت میدادم برای رفع تکلیف مسلمانان خودم به تلکراف خواه آمدم که اصل مطلب را حلیه بام و اتمام حجت بکنم ، گویا جناب مساطب ملاذالانام حجة الاسلام حاجی میرزا حبیب الله مجتهد سلمه الله و سایر آقایان عظام همین فقرات مطلب را دانستند پنهان علی ابن موسی الرضا علیه السلام بدو سه تلکراف که مطالب را فهمیدند فوراً اسباب آسایش مردم را فراهم کردند ، امشب را دیگر زحمت میدهم جدا حافظ میکنم فردا و امشب خوب فکر نماید و با چند نفر آقایان دیگر هم شور نماید هر چه بعد از مشاوره امشب بیرون آمد فردا تا ظهر بمن خبر دهید که تکلیف دولت معین شود ، و الا اسباب ندامت و پشیمانی خواهد شد ، و دولت هم تا هر درجه ایستاده کی خواهد نمود ، و بی حیا جی اسیر و گرفتار و خونها ریخته میشود ، خانه ها خراب و صدمات زیاد بر مردم میرسد ، زیاده زحمت ندارم (صدر اعظم)

« ایضاً »

« جواب تلکراف فوق »

(از استرآباد - طهران)

مضمون تلکراف ناوی پیشتر باعث تعجب گردید ، برای آنکه حکم علماء عظام و حجج اسلام را در تلکراف حوابیه درج نموده ام ، و افتتاح شورای ملی و اعلائی مشروطیت را خواست بودیم ، طوری بهم جواب تلکراف گردید که بیجوجه و سلی با سخن فیه نداشت ، معلوم است فقط خواسته بودید جوابی گفته شود ، اینکه اظهار شده بود پس از مشاوره با آقایان علماء عظام امروز جواب گفته شود اینستکه تلکراف میشود

الحق مر - مسلم است نشر عدالت و ترویج احکام حجج اسلام غنای طالبات ، با مذاق حالیه دولتیان تباین کلی دارد ، میدانم جواب کدام یک از مطالب اظهاریه را بنویسم ، اما اینکه نوشته اید من مسلمان هستم ، و طالب خونریزی نیستم ، بی (بقولون بافواهم مالیس فی قلوبهم) پس چرا بعد از سن نود و دو که آخرین مرحله ردگانی است راضی شدید بمسجد مسلمانان و بعد فرقه اثنا عشریه نوب بست جی کثیر و جی فقیر از مظلومین مسلمین منتول شوند ، اما اینکه مرقوم شده تلکراف سابق را گویا درست مرور نکرده اید محبت حکومت و احسان در میان نبوده چون در ذیل تلکراف خود اظهار کرده بودید که از بابت حکومت وغیره اگر حرفی دارید بفرمایید ، اینست که این طور جواباً اظهار شد ، برای آنکه کراراً دیده شده در این موارد که کلر بر دیوایان سخت شده بانعام و احسان بخمال خود میخوانند تطبیع کنند ، و احکام حجج اسلام را العباداته زیر پا ندازند ، اما اینکه شوات جنگبزی و قدرت خو برزی دولت را زبانی بیان نموده و ملت استرآباد را تقریباً تهدید نموده بودید ، لازم است تذکاراً بگویم استرآباد نقطه است که همیشه اردوهای منظم دولت را شکست میداده ، حال که سنظر جنابعالی دهکده آمده چه ضرر دارد همان طوری که رادران فیور آریلیجانی و طهرانی ما را با کلوله مقتول و شهید نمودید با آنها هم سلوک نماید ، این ملت هم سر در کف حاضرند که در راه احیای مذهب و طریقه اثنا عشریه خون خود را ایثار کنند ، اینستکه از بدیهات اولیه است که

(بذل مال و بذل جان و ترک سر)

(در طریق عشق اول منزل است)

پس متوقع اینست را هم بقوایم دولتی تهدید نکند که از جان و مال هر دو در بدو امر گذشته گول قباطین انس را هم میخورند ، برای اینکه بدانید تا حال که مسلمانان استرآباد نهایت بردباری و سکوت را بخرج داده برای آن بوده که شاید دولتیان متنبه شوند ، این یکفتره از احکام مطالعه حجج اسلامیه که از محف شرف صادر شده عیناً درج میشود

« بسم الله الرحمن الرحیم »

بسم ملت ایران حکم خدا را اعلام میداریم الیوم

همت در دفع این سفاک جبار و دفع از نفوس و امراض و اموال مسلمین از اهم واجبات و دادن مالیات بکاشتگان اواز اعظم محرمات، و بذل جهد در استحکام و استقرار مشروطیت بمنزله جهاد در رکاب امام زمان ارواحنا فداه و سر موث مخالفت و مساعده بمنزله خذلان و محاربه با آنت حضرت صلی الله است اعاده للمسلمین من ذلک انشاء الله تعالی - الاحقر عبد الله السازدرانی - الاحقر الحجازی محمد سکاظم الحراسانی - الاحقر نجف للرحوم الحاج میرزا خلیل -

از زیارت این حکم در هر کس که رک مسلمان باشد دست از دنیا کشیده بوعده ری عتباتی خود را بر باد نهد

ولی باز به تکلیف مسلمان نصیحتاً اظهار میشود که شاه را باعاده نعمت مشروطیت و افتتاح مجلس شورای ملی که پدر تاجدارش به این ملت عنایت فرموده ترفیع نمایند که این موجب را تا خون در ابدان مسلمین است از این ملت سلب نمیتوان کرد

(محرم علاوه ملت استرآباد)

بعد از این تلگراف از طهران جوابی نرسیده است اگر برسد عرض خواهد شد

جبل النین

ازین مختارات تلگرافی معلوم می شود که در باربان این ستون و آن ستون را برای خود فرج قرار داده میخوانند همچنان بلاد را با ناسخنان محمول رفع نمایند که حضرات آیات الله چنین احکامی صادر فرموده اند چنانچه بقول خود شان هیجان خراسان را هم در ذقعه همین حبه خواهموش کردند و حال آنکه علت مطالب دیگر بود یعنی تدارکات ملی را وقت لازم بود هر حال جواب این اشتباه کاری در باربان این است که دولت قول صریح با ضمانت نسایم بدهد که اگر ثابت شد که این احکام از حضرات آیات الله است در اجرای آن مانع نرانی نمایند آنوقت در هر سه دو سه ساعت ثبوت این امر هم در پشت تلگراف حضور میسر است و با اینکه یک هیئت مخصوص از طرف ملت و دولت با شهادت قوای خارجیه بحضور حضرات آیات الله رسیده تحقیق این امر را نمایند

حرف این است که این حرفها هم یکی از حیل زهیده مستبدین است بر طلبان روش است که عدت احکام حضرات آیات الله درین مشروع مقدس از حد احصاء گذشته حکم شیاع را حاصل کرده وظیفه ملت این است که به تکلیف خود عمل نموده بدین حیل وقت هنیز و فرصت مقدم را مقدم داشته بمستبدین وقت و فرصت ندهند

انجمن سعادت اسلامبول

برای بشارت وطن خواهان مینگاریم که بحمد الله انجمن مبارکه سعادت که بواسطه چند نفر اعضای دو رو اندکی مومن شده و مورث خللی و افساد بودند از عضویت خارج نمودند و بجای آنها وکلای صحیح انتخاب و با منتهای سرگرمی مشغول بکارهای لازمه هستند خدمات انجمن سعادت در راه اسلام و مشروطیت ایران بالاتر از آن است که ما بتوانیم بیان نمود - ما از طرف خود و طامه ایرانیان تشکرات صمیمی بوکلای محترم انجمن سعادت تقدیم می نمایم و ایرانیان خارجه و داخله را بشارت میدهم که بحمد الله اساس انجمن مبارکه سعادت از هر جهت حالی از حال و زوال بوده و هست و ارکانش بیشتر از اول محکم گردید

تلگرافات

(۱۳ محرم - ۵ فروردی)

در آلمان از آب شدن برف سیلانی عظیم رخ داده - قراه بسیار ظرف آب و عبور و مرور راه آهن بند و بسیاری از نفوس تلف شده اند - رودخانه (رهااین) بلند شده احتمال دارد سیل زیاد شود -

(۱۴ محرم - ۶ فروردی)

دولت عثمانی با کمال استقلال مصروف امورات دولتی است و تحریک دولت (آستریا) را درباره ترمیم عهد نامه آستریا و ترکی نامعلوم فرموده - در مسئله (بلغار) تحریکی را که دولت روس نموده بود با مبارتی مهم منظور کرده است

آلمان از سیلاب ۲۸ نفر هلاک شدند

از انتشار خبر ورود پادشاه انگلستان از اطراف مردم در (برلن) از حطم زیاد بوده مقامات و شوارعی که معظم

حاصل گشت، ازین رو امید است رحمتی فیابین واقع نگردد - در يك روز امضای این عهد نامه و ورود پادشاه انگلستان را بحال بيك تصور نموده اند

§ دو باره قانون مكاتب (مسز روزنوت) رئیس جمهوری امریکا به حكومت (كاليفورنيا) تلگرافی موده مشر بر اینكه این قانون مورت كدورت خواهد شد و قبل از اجراء باید در اداره طالیه عدليه استصواب شود كه آیا این قانون اخلاقی با عهد نامه امریکا و ژاپون دارد یا نه -

§ در (داویدنگ استریت) روز يكشنبه ۵ مسز لوئید جارج ، با ۲ تنگ شش اون ، تا دیر باز مشغول گندگو بود -

§ در روسیه رساله مشهر شده كه ۲ لوبوكهیم ، مقصر است بر اینكه وی با باغبان اظهار داشته بود ۲ اذف ، متعاق است به پلیس - ولی با سر قتل افسران تعاقی ندارد -

§ در ۲ برلن ، امروز در حین پذیرائی پادشاه و ملكه انگلستان اسهای كالسكه سواری امپراطریس آلمان و ملكه انگلستان از صدای سار رم كرده بزمین افتاده - معظم آنها بر كالسكه دیگر سوار شدند -

§ بطریق نیم رسمی در ۲ یاریس ، اشاعت یافته كه محرك و مشوق عهدنامه فرانسه و آلمان امپراطور آلمان بوده از این ظاهر می شود كه دولت آلمان ساهی و جامد در املیت است و از این عهدنامه صاف ظاهر می شود كه دولت آلمان فقط در ۲ سراگو ، خواهشمند ترقی تجارت و دمه فار اقطام تجارت است -

§ اهالی ۲ سومالی ، بر كشتی موشك انگلیسی شلیك كرده همینكه از كشتی بر آنها شلیك شد همه فرار نموده و بسیاری گرفتار شدند

(۲۵ محرم - ۱۰ فروردی)

§ مخبر روتر از عدف خبر میدهد كه ملا - قبائل ۲ وارسنگلیس و لا-وریس ، را اذیت میدهد - جماعت ۲ وارسنگلیس ، طلب امداد از كشتی موشك ۲ فیلویدیل ، نموده - كشتی مذکور همراهیان ملا را هزیمت داد - بسیاری از قبیله ۲ وارسنگلیس ، به ملا ملحق شده -

از آنجا عبور خواهند نمود بمبلغ زیادی اجاره داده می شود امپراطور آلمان اردوی عظیمی را برای استقبال ایشان تدارك دیده است

§ حكومت (كاليفورنيا) به عحاس وضع قوانین نوشته كه نظر تانی بر مسوده قانون مكاتب نباید چه از آن عااد با ژاپونیان مترشح می شود - عحاس وضع قوانین این امر را تا ۱۰ فروردی مطلق گذارده است -

(۱۰ محرم - ۷ فروردی)

§ جهاز جنگی امریکا (دلاور) از قبیل (درندنان) دبروز در (نیوپورت) بآب اداخله شد ، دارای ده مراده توپ ۱۲ انچی میباشد

(۱۶ محرم - ۸ فروردی)

§ بابصلی نهریک رژی دولت روس را درباره (بلغار) باین شرط منظور كرده مشروط بر اینكه قرصه روس از او تماماً وصول شود از بعد بابصلی از (بلغار) دعوی رژی نخواهد كرد

§ پادشاه و ملكه انگلستان امروز صبح بعزم (برلن) از (دور) رهسپار شده - بصیت ایشان (لارد سكرووی - چارلس هاردینگ) هم هستند روزناجمات تبریک روانگی ایشانرا نوشته از صمیم قلب النجای ترقی اتحاد دولتین انگلیس و آلمان را می بایند -

§ مخبر (روتر) از (ادیسه بی) خبر میدهد كه خبر پیاری اعلیحضرت (منبلیك) غلط بود و بر كالسكه (انومویل) هر روز مشغول سیر و تفریح میباشد -

(۱۷ محرم - ۹ فروردی)

§ هوای (برلن) این ایام زیاد فرحت انگیز است و هر كس بقدر شود مشغول تدارك پذیرائی و استقبال پادشاه و ملكه انگلستان است و بالمره هموم و خاص از اشتغال به امور خود دست كشیده اند

§ امروز صبح پادشاه و ملكه انگلستان وارد (برلن) شدند - امپراطور و امپراطریس و شاهزادگان باستقبال حاضر - و شهر را تزئین نموده بودند -

§ معاهده فرانسه و آلمان در (برلن) امضا یافت - بموجب این عهد نامه در (سراگو) الحقیقات نامه داده شده - و حقوق تجارتی و سیاسی دولتین توام

المبتدیان

کلیه امور اداره با

مدیر کل مؤید الاسلام است

هر دوشنبه طبع

و سه شنبه توزیع میشود

هر یکشنبه

ایران و افغانستان

۲۰ قران - ۲۵ قران

عقباتی و مصر

۳ عیدی - ۳ عیدی

وظیفه امروزه ایرانیان

ایرانیان راست که مقام منبع و حثیت قهریم خود را بشناسند و بدانند که هیجان کنونی و فعالیت امروزه شان، رعب و هیت آنها را در انظار خارجه بسیار عظم داده است، و باید هر قدر نتوانند در این عظمت خود بکوشند که همین عظمت نگاهدارنده استقلال آنهاست

ملت ایران باید بداند که اجانب را هیچگونه حق دخالت در امور داخله آنها نیست، و امروزه مقام ایران نوعیست که اگر بگذشت دولت دخالت جبری در ایران باید چند دولت دیگر در جواب آن ملزومند، این است که ما با آوار بلند بارها گفته و باز میگوئیم، که امروزه هیچ دواتی بقوه قهریه نمیتواند دخالت در امور ایران نماید

ملت ایران باید بداند که همسایگان او که تصور دخالت مسلحه در امور ایران در حوضشان مبرود بقدری در داخله خود گرفتار اند که در صورت امکان و رفع موانع خارجی هم مجال هیچگونه تصرفی برای آنها نیست ملت ایران باید متفت باشند که همسایگان ما تمام قوای بلقی خود مصروف این امر اند که از روی خوف و رجا و بیم و امید، بلکه بتوانند برضایت ملت دخالتی در امور آنان حاصل کرده بدان وسیله آنها را از جمیع مزایای استقلال و ترقی محروم دارند، شاه در حجه آنها سبب محض است آنچه باو تکلیف شود بدون تصور تصدیق میکند، ملت راست که ابداً زربار قبول هیچ سلاخی از اصلاحات دولتی نزنند، نه پول آنها را نخواهند و نه نگرانی نماندگان ایشان را، نه اصلاحات آنها را به پسندند و نه از تأییدات سری که بشاه می نمایند قائل باشند، نه در کافرس آنها شرکت میکنند و نه تن به تبدیل و تغییر هیچ ماده از مواد قانون اساسی و قانون انتخاب و کلا در دهند، که ترمیم قانون اساسی و قانون انتخابات و کلا و قبول اصلاحات روس و انگلیس ایران را بصورت مصر خواهد در آورد به قبضه روس، امروز تمام ملت باید با قوت قلب جدأ

برونست بدولت روس و انگلیس بماند که هیچگونه اصلاح و دماق زشما منظور نخواهد شد، ما از عهد اصلاحات خود بهتر نتوانیم برآمد

بزرگترین وظائف ایرانیان این است که زیاده را این موقع مصاحبه ندهند بسرعت باد و برق پارلمان را دایر نمایند که پس از انعقاد پارلمان تمام مواد اصلاحیه دولتی در همان دفترخانه های خودشان باقی می ماند، چنانچه اصلاحات مقدونیا و مراکو باقی مانده و خواهد ماند، سق ملت درین مدت همسایگان ما این هوسهای خام دعوت نموده، امروز ما یک جنبش غیورانه پارلمان در طهران دایر نمائیم، و جمیع آنها از آسیا توندانند، تا وقتی که پارلمان دایر نشده همسایگان را همین هوسها بسر خواهند بود، امروز از وقت مدافعه ملی گذشته نوبت مهاجمه است، دشمن را نباید زیاده برین موقع داد، که برای خودندارگی از تو به نماید، بجهت سوار برای قبضه طهران و افتتاح پارلمان کافی است، چه مانند اسمهان اهالی طهران تمام مهر خند و ابدای خوفی در خارج نیست و هیچگونه تهدیداتشان اعتنا نباید کرد و باغفالات و اصلاح خواهی آنان اعتماد نباید عمود و هیچ موتی برای پیشرفت معاصد ملیه زبانی بهتر از امروز نیست، چه از چهار طرف طهران در محاصره است باز هم تا آواز بلند میگویم که خوف از روس و انگلیس داشته باشید که نمیتواند هیچگونه در امور داخله شما قهرأ مداخله نمایند مگر آنکه خود تالیف دخالتشان دهد، و نادانانه خردلی هم امداد نماند، که این حوائف مخردی خود مشروطه شما بدمد، امروز وقت زردار است و دفع گفزار

اتروییوی و قایع نگار و بلز

از حضرت اجل آقای مصمص السلطنه

(ایلخانی بختیاری)

پس از آنکه آقای مصمص السلطنه وارد اصفهان گردید و شهر و اطراف را از هر جهت امن نمود و انجمن ولایتی اصفهان را دایر فرمود مخصوصاً بحقیقت وقایع نگاری محض (اتروییوی) می ایشان استیذان حاصل و خدمتشان مشرف گردیدم ایشان را مریدی بلام فطن

و ذهن واقف بمواقف عصر ، دانا بربوز سیاست و بلنیک زمان ، مطلع باوضاع حالیه دنیا ، خوشگو و خوشرو متفائق باخلاق اسلامی ، منظم و صادق الوعد از وجناتش آثار شهامت و شجاعت استقامت و قوت قلب بایان ، صفاتی را که در تاریخ از ایرانیان کهن نوشته اند ، در این واد مرد مشاهده کرده ، سپس عرض نمودم که بنده بحیثیت وقایع نگاری بلك از جرائد منصف خیر خواه عالم اسانیت میخواهم برنی سوالات از جناب عالی مروده آنچه جواب فرمائید رسماً در آن اخبار درج نمایم ، با منتهای قنوت و اخلاق قبول فرموده بموجب دلیل سؤال و جواب شد

س - مقصود جناب عالی از آمدن باصفهان چیست؟

ج - جز داد رسی مظلومین و مملوفین و رفع

هرج و مرج و حفظ وطن مقدس خود مان از دست برد اجانب قصدی نداشته و ندارم

س - آیا شما را ازین حرکات اراده مخالفت با

دولت نیست ؟

ج - بلك ترین خون های ایرانی از عهد ساسان تا

امروز در بدن ما بختیاریان مانده از اینوهماره بختیاریان

بدون مرض ومرض نظر بكون بلك ایرانیست مؤید سلطنت

ایران ووطن عزیز خود بوده اند ، بختیاریان در عهد هر

سلطان با اینکه هماره خود را شریک سلطنت دانسته اند

بدون هواجی هسانی نظر بهمان خون بلك ایرانی و

حب وطنی که حبلی ایشان است هر وقت استقلال

سلطنت ایران را خلل رویداده سینه های خود را سپر

ملایا کرده سلطنت را بحیات داده کنار گرفته اند ما

بختیاریان به منظوقه تاریخ حکم مادر را بایران داریم

و دیگر ن که از طریق چپاول وارد می شد حکم دایه

(مادر و دل سرد دایه را دامن) و اقدام امروزی

ما هم بقی بر حفظ وطن و خدمت سلطنت است

درین مقام شرحی از خدمات تاریخی بختیاریان

سلطین هر عهد و زمان ایران بیان نمودم که شرحش

خارج ازین موضوع است

س - درین صورت عدم قبول حکومت شاه

رای چیست ؟

ج - اولاً فوری قبول حکومت شاه مزید هرج و

مرج می شود و ملت زیر بار عبودیت و تمام این هرج و

مرجها از لایالی گری حکام شاه پیش آمده

ثانیاً - رأی من در امور جمهور جز رأی واحد

نیست ، اهالی این شهر وواحی که قرنهای تخت سلطنت

سلطین ذیشوکت ایران بوده مرا دعوت کرده و بحکومت

ملی کاشته اند ، رأی ، رأی منیست فقط

قوة مجریة احکام خودشانرا ملت بکف من گذارده اند ،

ثالثاً ولوج این تصور شود که من قبول حکومت شاه

را نمی نمایم ، این امر را مخالفت با دولت تصور نمیتوان کرد

چه دولت ایران از عهد مظفرالدین شاه مشروطه

بوده و امروز هم به تصدیق جمیع دول رسماً

مشروطه است ، و هر اقدامی که ما در حمایت

دولت ایران که مشروطه است ، میباید باید اشخاصیکه

برخلاف مشروطیت سلطنت ایران اقدام می نمایند

مخالف دولت گفت نه کسایک در استحکام مشروطیت

وی قدم میزنند ، رفع این شبهه در صورتی تواند گردید

که تشریحات سیاسیون را در فرق بین سلطان و سلطنت

بدقت ملاحظه شود ، آنوقت معلوم خواهد گردید که

بعض مخالفتهای طاهری به شخص سلطنت تأیید

سلطنت است

راساً ما ایرانیان که دارای طریق تشیع هستیم در

جزئیات و کلیات امور دین و دنیای خود تابع احکام

رؤسای روحانی مذهب خویش میباشیم ، احکام رؤسای

روحانی مذهب ما را مجبور مان اقدام نموده است ، بر

فرض که ما بختیاریان چشم از استقلال شصت و سه ساله

وطن خودم به پوشیم ، از مذهب هزار و سیصد ساله

خویش چشم پوشی نتوانیم نمود

(در مجموع اوراق احکام و فتاوی علمایا که تخمین

منجاوز از صد ورقه بود از کیف کافذ خود بیرون

آوردند بمن اراده آمد چند ورقه آن مخصوص خطابات

شخصی بابل بختیاری بود)

س - اهالی اسمهان از شاه چه میخواهند ؟

ج - همان که اهالی آذربایجان - استرآباد - گیلانات

ماردران - خراسان - کرمان - لارستان - میخواهند و آن

اعلان اغانات وکلای ملی و مساج پارلمان و اجرای

مواد قانون اساسی است بدون هیچگونه ترمیم و تکراری

اجاب

س - اگر شاه چنین اعلان بدهد رفع هرج و

مرج مملکت و اختلاف رعایا با شاه میشود ؟

ج - بل - تا آنجائیکه من داستان ملت ایران را جز

این مقصودی نبوده و نیست ، و من یقین دارم که

هیچگونه مخالفتی در ایران باقی نماند در آن صورت اگر

کسی مخالفت با شاه کند مخالفت با دولت تصور کرده با

قوای ملیه دماغ او را بچاک میناند

س - چنین شهرت داده اند که ملت مشروطه

نمیخواهد و علما مشروطیت را مخالف با قرآن

گفته اند ؟

ج - ملت اگر مشروطه نمیخواست از اول

نمیکرفت. امروز دو ثلث ایران ندای مشروطیت بلند کرده با طالع و جان در اقای آف حاضر اند. اما علایک مشروطه را مخالف با قرآن گفته اند همان ها هستند که پیرو خیالات درباریان اند و مقلد نشانم همان درباریان است

س - آیا به نظر جناب عالی ایرانیها قابل مشروطه هستند ؟ و میتوانند اداره مشروطه را بگردانند

ج - وقتی بتاریخ مراجعه شود و ملت فرانس و انگلیس را در آفاذیک مشروطیت حاصل نمودند با ایرانیان امروزه مقایسه نماید نمیتوان ایرانیان امروزی را با فراسویان و انگلیسان آن روزی پست خیال تر و بی اطلاع تر تصور نماید ، علاوه بر این اگر گفته شود که ایرانیان قابل سلطنت مشروطه میباشند معنی این می شود که ایران قابل استقلال سلطنت نیست ، چه گردانیدن اداره استبداد که منحصر بفرد یا افرادی چند است مشکل تر میباشد از گردانیدن اداره مشروطیت که تمام دانیان یک مملکت شرکت در او دارند. چه مستبدین هم از همین ایرانیان میباشند و هیچ گوه مزینی هم در آنها تاکنون بر سایر طبقات ایرانی دیده نشده. ازین مراتب هم اگر صرف نظر شود امروز بنا بر اقتضای وقت بقای استقلال ایران ملوط مشروطیت و اختیار را از دست یک نفر گرفتن و بدین سپردن است ، درین صورت اگر دولت ایران ترقی نکند تنزل خواهد کرد ، ولی اگر اصول استبداد عود نمود درین دوره استقلال ایران را وداع خواهد گفت (درین موقع شرحی مدلاوه و طالمانه در آیات این مدعا بقسمی بیان فرمود که مرا اتمام نمود)

س - اقدامات فعلیه جناب عالی چه خواهد بود ؟
ج - جواب این سوال از صدها شده خارج است ، چه من مطیع با حکام المحسن و حصرات آیات اله نجف اشرف میباشم ، ولی تاکنون اقدامیکه شده معنی در این بوده که اعلیحضرت شاهانه بشخصه عود مشروطیت فرماید جناب عالی خودم و اهالی اصفهان در تلکرافات عیدیه چنین خواهش نموده ایم

س - هرگاه دولتیان بخودی خود مشروطیت را بدهند ملت را قوه بار گرفتن حقوق خود هست ؟
ج - بل - ملت قادر بحفظ و عود حقوق خود کاملاً هست

س - اقدامات ملی اسباب دخالت خارجه خواهد شد ؟
ج - خیر - اهم بر عدم مقتضیات سیاسی در مداخله ایران امروز با این جنبشی که ایرانیان نموده و بقسمی که بیدار شده اند گمان نمیرود هیچ دولتی از مداخله

بایران صرفه بگیرد ، هیجان ملی ایران از هیجان ملی فراسه کمتر نیست ، و هر دولتی که دست تصرف نامور داخله ایران دراز نماید باید پیه جنکیدن سی سال را بر خود بیاند ، طاقت هم بعد از آن همه خساره مالی و جانی همان فائده را که حمله آوران از فراسه بردند از ایران هم خواهند برد ، ازین رو همسایگان با درایت ایران تصور مداخلت در امور داخله ایران را از سر خود بدر نموده و باید به نمایند ، و علاوه هیچیک از همسایگان ما را مواع داخلی خود امروزه اجازه دخالت در امور ایران میدهد

پس از این بیانات فرمودند جور شرکت در انجمن ولایتی باید تمام مومع ریاض بر این محبت مداریم هرگاه بار هم سوالی داشته باشید وقت دیگر میتوانیم بیایید ، همان وقت رحلته انجمن تشریف بردند

واقعات ایران ترجمه از جرائد خارجه

§ در استرنااد حضرت سپه دار عظم اعلاان عده اطاعت را در وقت استبداد کرده اند

§ پروگرام اصلاحات روسیه ، کنگره خارجه است شاه و جزاه حکومت ایران شده خیلی تلاش خواهد کرد در مذاکره اصلاحات ، البته سیر فرسه هم دعوت شده است

§ از حلما روزنامه (نوبورهما) تلکرافاً خبر رفته که کارویکه دوپست و پست و بیج شتر مال التجاره داشته از طرف مشروطیین نمایه شده بعد از آنکه فهمیده اند که حال تاجر روسی است صاحبش اطاده شده نامول نیجه خارجه خیلی مواظب بد که امن و مصون ماند یکدسته احرار تحت ریاست کرملان حسین رضا که عبارت از چهار صد نفر اند دو دو فرسخی جلما اخذ مومع کرده اند (بقصیده ما بعد از آنکه فهمیده اند ، کاتین تاجر روسی است بملاحظه حل اشیاة مخنه به نمایه شده است)

§ خلوی را در مسیدن ضبط کرده احراریکه خلوی را بخره رده ، اطراف مرید رده اند

§ رضاقلی - مرادی ، یک دسته مجاهدین صفا عبارت از دویست نفر اند بمحلها آمده یک قسمت از این ها در حقه کدشته شده قسمت دیگرش را در شجاع و عامه رده در عرص راه تبریز بد گذاشت احرار خیلی مواظب جلما هستند ، خودحلقا و اطرافش را محکم میبایند اگر عساکر شاه باین طرف ها بیایند خیلی بشدت مقاومت خواهند کرد

§ تبریز امروز از همه طرف محاصره شده محسوس

است . از سمت غرب جلوب با عساکر صمدخان ، از جنوب و جنوب شرق با اردوی عین الدوله ، از شمال هم با سواران متفرقه قراچه داغ که طرفدار شاه اند ، عددی تمام قشون شاهی تقریباً پانزده هزار میباشد ، عددی احرار نسبت باینها کم نیست ، قوه مضویه عساکر شاه زیادتر ر قوه مضویه احرار می نماید ، این دفعه غلبه را بطرف احرار کی نمیتواند ادعا نماید ، امید بزرگ احرار بزمستان بود که عساکر شاه نمیتواند حمله بکنند ، از طرف دیگر افراد دستهها ستارخان روز بروز کم میشوند ، از دیشب تا امروز صبح از استحکامات تبریز بسمت جنوب شلیک میکنند ، نتیجه را از حالا نمیشود معلوم کرد ، شلیک همالاً دوام دارد (نتیجه این جنگ همان تلگراف ۲۸ ذیحجه بود که غلبه ملت و منلویت دولت بوده اشاعه دادیم)

§ احرار تبریز همیشه فهمیدند فرما فرما به حرب مشروطین اصفهان بیرون خانه ویرا خراب وزارت کردند

§ اشرار طاکو قریه (بولقاد) را که چهار فرسخی مرند است اشغال کرده اند

§ از طهران خبر میدهند که طاکو ها شهر خوی را و اردوی صمد خان قریه (رواسان) را اشغال کرده ، بقصد دربار ایران حال احرار کسب وخامت نموده در حدود تبریز حرکات مفسدانه در کار است § فرما فرما با پانصد سوار بختیاری باصفهان حرکت کرده است

§ نزدیکی جلغا کاروانی مرکب از دو بیست شتر که از از ارومی می آمده از طرف اکراد بشارت رفته ، پست دولتی را هم در تبریز همین اکراد حلت کرده اند

§ روزنامه های روسی مینویسند در حال حاضر شب و روز اطراف تبریز با حمله ها و فله ها در تحت نظارت مهندسین اروپائی قلمبندی و انشاء استحکامات میشود ، چند روز بعد یکی از قلاع معتبره جنگی محسوب خواهد شد

§ این تلگراف خصوص از تبریز باسلامبول رسید (انجمن سعادت ایرانیان اسلامبول - اردوی صمدخان سه بار حمله نموده شکست خورده عقب نشستند انجمن ایالتی)

§ صباح مینویسد این هزینهت با احرار ایران یکقوت تازه میدهد همچنانکه دیروز از محاصره شهر حاصل نموده بود این تلگراف سکون بخشید

§ روزنامه (مار نینگ پست) مینویسد مذاکرات روس و انگلیس بکارهای ایزان حال ولجیبی تولید

نموده ، بچ آنست صکه باعث نکول و اختلال این ائتلاف گردد

§ ملتجیان سفارت عثمانی دوام پیدا نموده صدراعظم کامل پاشا حمایه و اطاشه پناهندهگان را بسفیر طهران امر نموده است

§ احرار ایران مقیمین اسلامبول بریس الوزراه عثمانی مراجعت کرده ، از عباسقلی خان شوکت ترجمان سفارت طهران که بواسطه خفیه و جاسوس بودن از طرف شاه با پناهنده ها بد سلوکی میکرده شکایت نموده عزل آنرا بخوریت خواستگار شده ند

§ جراند فرانس مینویسند بختیارها که مرکب از پنجاه هزار درخانه اند بمظفرباشان اهدا شبه میروند (خداوند احرار ایران را در همه جا مظفر و منصور دارد)

§ مظفریت ستار خان را سابقاً مختصر نوشته بودیم اینک تلگراف تقیلس مفصل مینویسد (صمدخانیکه با قوه بزرگی بجهت دخول وضبط تبریز چلندفله هجوم آورده بود طاقت بجملات غیورانه مجاهدین تاب نیاورده عقب نشسته ، و (سردرود) را که یکفرسخی شهر است اردوگاه نمود و با سوارهای اکراد مشغول غارت دهات اطراف شد ، این طر که ستار خان رسیده با مجاهدین از در طرف حمله بصمدخان برده بعد از چهار ساعت دوا محاربه احرار بقلبات متوالیه تایل و اردوی صمدان با طسارات زیاد از آنجهم مجبور برحمت نموده

§ نظر بحرم مالیات از هر قبیل که باشد از علماء نجف ، تمام ایرانیها یکدینار مالیات می دهند اسلامبول قریب پست هزار خانه ایرانی موجود است

کافه ایرانی ها مقیمین حول و حوش اسلامبول متجاوز از صد هزار نفر میباشد هر سال قریب نود غروش بول تذکره می دادند که قریب پنجاه شصت هزار لیره عثمانی می شد ، امسال نظر به حالت حکم نجف داده نشده ، مأمور مخصوصی فرستاده در (هرتل لندن اسلامبول مقیم و ایرانی ها را با زبان شیرین دعوت دادن بول تذکره نمود ، ایرانی ها اجماعاً خودشانرا منسوب با احرار که سهل است جمهوری خواه قلم داده ، حتی با یک فنجان چای مأمور مذکور را مهیا نوازی نکردنشانرا در صورت قطعی جواب داده اند ، مصرف این سفر را باید مأمور بد بخت از جیب خود بدهد

§ در پترزبرگ روزنامه (کارت دولا پورس) مینویسد که در باب اصلاحات ایران میان ارکان دولت روس اختلاف پیدا شده (هارتویچ) سفیر سابق ایران حرکت مستتلا روس را طالب و ائتلاف روس و انگلیس را مضر بحال روس میگوید ، مسیو (اسوالسی) وزیر

خارجة روس بر ضد آن است مجلس وکلا قریباً عقد اجتماع کرده در این باب مذاکرات خواهند نمود
 § از طهران تلگرافاً خبر رسیده که فرما فرما بجهت حکومت مأمور شده بلکه بجهت اعاده استبداد در اصفهان خواهد رفت

§ از (محمدآباد) خراسان که متصل بدو جز است خبر رسیده که در همد آباد و جوار آن قوت احرار روز بروز کسب اهمیت مینماید رئیس احرار همد آقای حسن زاده بیانشاه انتشار داده در او امر شده که از مالیات دیناری بکاشتگان حکومت داده نشود تماماً باید اطلاع احرار جمع گردد ، بموجب این بیانشاه حال مقصود خان حاکم حبلی زار شده است اگر از خارج قوه و استمدادی مستبدین برسد تمام خراسان تصرف احرار خواهد آمد ماحرار هر روز از عشق آباد مدد زیاد میرسد

§ تلگراف پترسبرگ ظاهر میدارد که مداخله روس مأمور داخلی ایران که در روزنامه ها اشاعت یافته بکلی با اصل است

§ روزنامه (رج) مینویسد بر حسب نبودن آدم لایق کار دان در خود ایران دولت روس چنین صلاح میداد که مستشار ادارات دواقی را از دول صغیره اروپا انتخاب نمایند (ولی عقیده ما این است که فیصله این امور را باید پارلمان ایران بدهد و این نکته را وکلای ملی در مجلس مکرر موضوع بحث قرار داده بودند)
 § انجمن ولایتی ارومی امور ضابطان شهر را پیازده نفر هیئت اعیان و اصناف واگذار کرده قدری بی اعتدالی از طرف ضابطان شهر معاینه می شود، حکومت استفا داد

§ صباح مینویسد که اگر شاه امور را با دلازه خرید قدری فتنک پول پیدا نماید جداً بر ضد مشروطیت کوشیده چون از عهده نخواهد برآمد قشون روس را بوسائل مختلفه وارد نموده اوضاع مصر در ایران جاری خواهد شد و دولت روس تیرش بهدف آمال در خلیج فارس خواهد خورد

§ (استندرد) مینویسد در محافل روسی روس داشتن لیاقت اهل ایران را بشروطیت مذاکره مینمایند - معلوم است (هر که قشون خویشتن بیند در آب)

§ از تبریز خبر میدهد حاجی خانی را که یکی از اجله مستبدین آنها بود در رشت یکی از مستبدین احرار قتل رسانده (نظر محط مخصوص اداره حاجی خانی را با عیب کتبه بد)

§ اتمام می ویسد شهر تبریز را عساکر شاه محاصره نموده § انجمن اصفهان همه جا تلگراف اعلان مشروطیت را محرم کرده اهالی حبلی بجدا در اصفهان حرکت میکنند

§ در طهران سفرای خارجی منظر پروگرام اصلاحات پترسبرگ اد و ادا با شاه گفتگو می کنند § شاه بجهت محاصره اصفهان یکصد سوار فرستاده است ۱۱

§ یکی از حراد پترسبرگ ره زمامه (سلوه و) مینویسد اصلاحاتی که در میان ده اتین انگلیسی و روس تحت مذکره است فقط در انتظام امور ارتش تحت سلطنت مشروطه و پارلمان ملی و ادا خیال ندارد که حیثیات ملی ایرانیان را در فشار آورده مداخله در امور داخلی مجروح دارد ، دولت روس بر دولت روس صریحاً اطلاع داده که مقصود او فقط اصلاح ایران است بدون هیچگونه مداخله ، تیر از این مسلك هیچ مسالکی را در ایران تعقیب نکرده و نخواهد کرد

§ تلگراف محرم صمصام السلطنه که باجهت هزار ایل بختیاری در حمایت حرار اصفهان را قبضه کرده در شهر مزبور مشغول استحقاقات مهم است ، اهل شهر و توابع تمام تحت سلاح آمده شب و روز مشغول مشق نظامی هستند

§ محرم یکی از روزنامه های پاریس بر حسب معلومات که از پترسبرگ گرفته مینویسد مسئله استقرار شاه و قبول آن از دولت روسیه بکلی دروغ است ، عجباً بکیدل بشاه داده خواهد شد پروگرام اصلاحات که در میان وزیر خارجه و سفیر انگلیس تحت مذاکره است ، مجرد تصدیق لندن بطهران تبلیغ و اگر بجهت آن اصلاحات پول لازم شد با امضای مجلس پارلمان ایران داده خواهد شد

§ در اسلامبول ۷ محرم ایرانیان پنج یوروب مانده دو خان والله براسی پروکت با استقرار شاه

بدول اجانب عقد مجلس خواهد کرد و در تمام شهر های ایران که دست احرار است فردا در همان ساعت عقد مجلس و پروتست خواهد شد

§ در مذاکرات راجع با اصلاحات ایران اختلاف در وزرای روس پیدا شده (مسیو هارتولک) سفیر سابق طهران حرکت مستقلاً روسرا در ایران طالب و اشتلاف روس و انگلیس را بمنافع روس کلبتاً مقابله مبداد ، برعکس مسبو اسوالکی رعایت این اشتلاف را واجب و لازم گان میکند

§ سلخ ذی حجه تلگراف تبریز این گونه در انجمن سعادت اسلامبول رسید (تبریز ۷۰ کاون تان افرنجی ساعت دوازده ظهر محمد خان سه دفته بشهر هجوم آورده در هر سه دفته مفلوباً مراجعت عوده است (انجمن ایالتی تبریز)

§ روزنامه (رج) مینویسد در حال حاضر اطراف شهر تبریز شب و روز با همله و قله تحت نظارت مهندسین اروپائی قلمه بندی میشود و انشآت جدید از خندق و خفرهای گرک گیری و سیم های الکتریکی تاسیس می یابد ، بعد از چلد روز تبریز یکی از قلاع خنکی معتبر خواهد شد و تصرف آن ابداً مقصور نخواهد بود ، ستار خان هم منتظر است که بعد از اتمام این مقابله آخری که قریب الوقوع است بطهران حرکت نماید ، شهر تبریز در حرکت ستارخان بطهران بیافر خان سپرده خواهد شد

§ ۷۹ ذی حجه الحرام - از طهران خبر میدهند که به مأمورین بلدیة اسلحه از قبیل تفنگ و طیارچه در سدی هفتاد پنج کم کرده عوض حقوق نقدی میدهند و انمالی هم فوز عظیم دانسته همه را می خردند حکومت خود را از گرفتاری نقدی باین شیوه خلاص نموده است

حکم حکم حکم حضرات آیات الله نجف اشرف
بموم انبیا ایران مدین خارج اعلان ، سابقاً احکام جدید کتباً و تلگرافاً و شفاها در حرمت دادن مالیات بگاشنگان این سفاک ابلاغ نموده ، مجدداً هم اخطار میشود ، مادامیکه مجلس شورای ملی در ایران اقامه نشده گرفتن تذکره اقامت و دادن وجه بمأمورین ایران و مطلق معاونت بآنها حرام و از مصادیق اطانت این سفاک عالم است .
محمد کاظم الخراسانی - عید الله الاذن ذرائ

مکتوب حقیقت اسلوب جنوب
خلاصه واقعات اصفهان

الآن که مشغول نگارش تجمه وقایع اصفهان جنان بدریای خیال و حیرت غوطه ورم که ما فوق ندارد ، بجهت آنکه میترسم هموطنان محترم من قدر این نعمت را ندانسته بعد از این همه خسارت مالی و جان که ببخواهند آب رفته را بجوی باز آورند یکدفعه بحریک دوسه نفر از مفسدین همه سعادت خود را از دست داده و زحمت غیرتندانه حضرت مصمص السلطنه را هدر بدهند کوان گوش شلوا و دیده پنا که بشنود و بیند آنوقت که ابداً در علیه استبداد قدمی برداشته چه ظلمها دیدند و چه عقوبتها کشیدند ، اگر جلدای مخواسته این دفته بی غیرتی کرده بدولتبان و پادشاهان عرض و ناموس خود راه دهند ابداً ابقا بصغیر و کبیران نخواهند کرد وقعه افتان در اصفهان تجدید خواهد شد ، باری باز گردیم بر سر مطلب مقدمتاً کیفیت جیش استبداد را برض میسرانم عده آنها عبارت بود از دو هزار سرباز - لالی و ملابری و دو بیست سوار شاهسون و نه مراده توپ کوهستانی علاوه بر توپهای میدانی با لوازم آن زیاد حاضر داشتند ، مقامات سنکرشان علی قابو ، سر در توپخانه و عمارت تارخانه و سایر عمارات دولتی و دوسه مراکز صحیح و مواقع رفیقه دیگر بودند ، فقط عده مدافین بجاه و پنج نفر از بختیاری بود که سینه بسینه داده دو ساعت گرم مقابله شده و این قوای مذکور را منهزم ساختند ، در این بینشش نفر از طرف استبداد و بکنفر از بختیاری ها تلف شد مقاومت حکومت از اول تا آخر هجده ساعت طول کشید که بعد از آن بقونسولگری انگلیس پناهنده شد ، دوسه خانه هم از خانه های صاحبمنصبان فوج که باعث فارت بازار شده بودند بقاتر رفت ، تلگراف جندهم از صدر اعظم آمده مثل اینکه ابداً از وقایع اصفهان خبر ندارند

زمزمه مشروطه و مجلس تازه بلند شده است بعد از استیلای کامل جناب مصمص السلطنه ابواب رحمت الهی باز شده و مورث حیات تازه مات گردید ، بعد از ساعتی هوا باز و احکام حکومت جدید شروع با اجرا گذاشت اول کاری که کردند احکام حضرات آیات الله نجف اشرف را بعد از امضاء علماء اصفهان که در باب حرمت